

مراقبت و تکامل دوران ابتدای کودکی

آغازی عادلانه برای تضمین آتیه کودکان

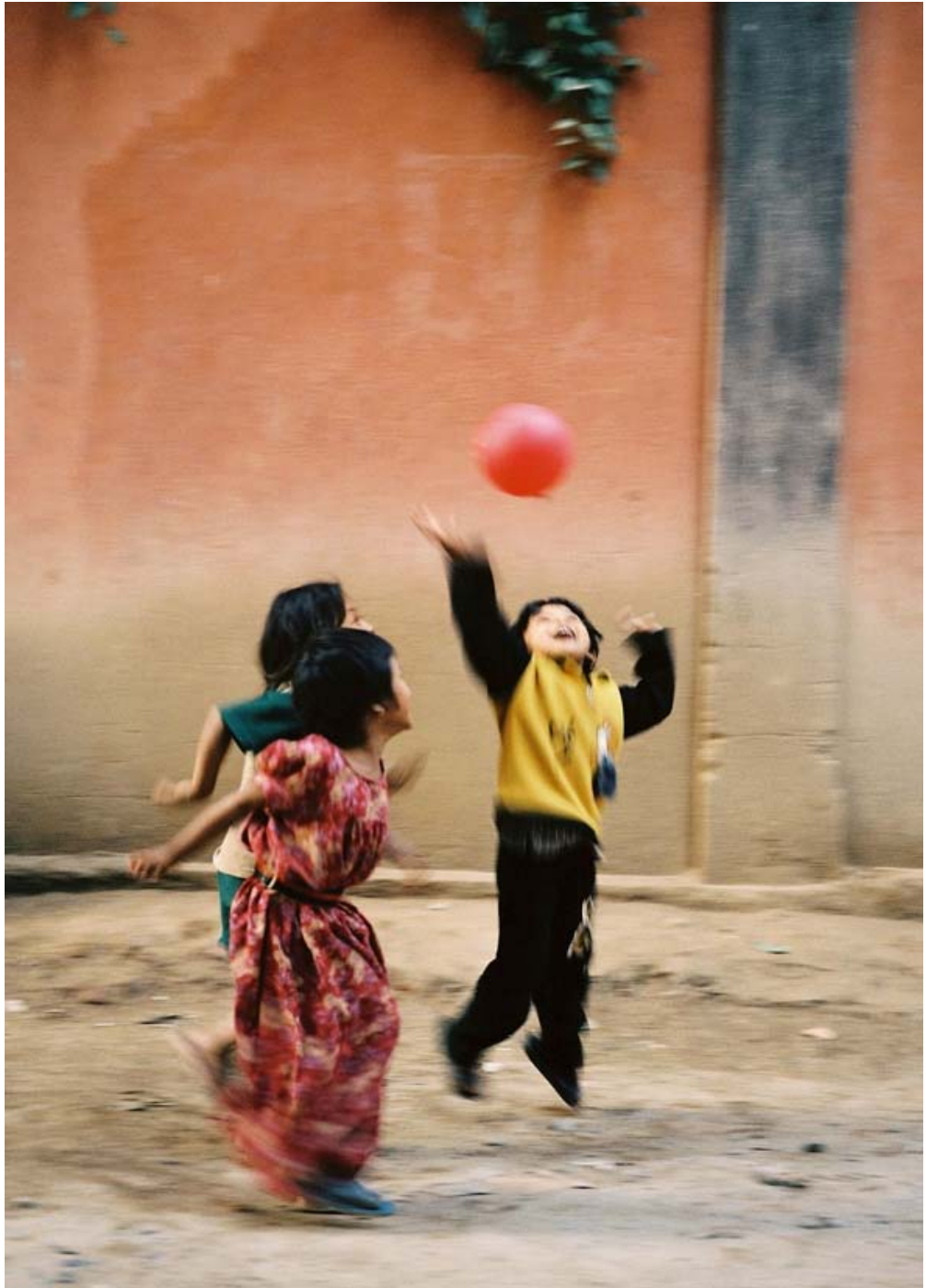
حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند:

«أكرموا أولادكم ، وأحسنوا آدابهم»

به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را نیکو تربیت نمایید

امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند خود امام مجتبی علیه السلام می فرمایند:

«قلب کودک نارس همانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. از این رو در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و اندیشه‌ات به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بشتابی که صاحبان تجربه، زحمت آزمودن آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند.»



فهرست:

مقدمه

مفاهیم تکامل ابتدای کودکی

کودکان استثنائی

کودکان تیز هوش

دلایل سرمایه گذاری

اسلام و تربیت کودک

ویژگی ها و نیازهای دوران کودکی و نوجوانی و اهمیت آنها

عوامل تاثیر گذار بر تکامل دوران ابتدای کودکی

تکامل دوران ابتدای کودکی و عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت

اصول و حیطه های مداخلاتی

برنامه سازی برای کودکان

کلیات برنامه ها و مداخلات تکامل دوران ابتدای کودکی

تجارب جهانی

توصیه ها و نتیجه گیری

مراجع

مقدمه :

سال های ابتدای کودکی مهم ترین سال های حیات است و تجربیات این سال ها زیر بنای زندگی آینده هر انسانی خواهد بود . لذا اگر به نیازها و حیطه های تکاملی کودکان در طی این دوران پاسخ مناسبی داده شود، آنها سالم تر بوده، از قدرت تفکر و تعقل بیشتری برخوردار می گردند و مهارت های عاطفی و اجتماعی بهتری خواهند داشت. تکامل ابتدای کودکی شامل حیطه های مختلفی از قبیل شناختی، تکلمی، احساسی، اجتماعی، جسمی، روانی و معنوی می باشد که همگی قویا بر یادگیری ابتدایی و پایه ای فرد ، موفقیت تحصیلی ، خطر ابتلا به بیماری های جسمی و روانی، مشارکت اقتصادی، نقش اجتماعی شهروندی و سلامت او تاثیر به سزایی خواهند داشت.

بررسی های متعدد مشخص نموده اند که بسیاری از مشکلات دوران بزرگسالی ریشه در دوران ابتدای کودکی دارند. محیطی که کودک در آن زندگی کرده، رشد می نماید و می آموزد، تاثیر بسیار زیادی بر تکامل ، خصوصا تکامل مغزی، وی دارد. اما تامین محیط هایی که برای تکامل دوران ابتدای کودکی مناسب باشد از عهده والدین ، به تنهایی، خارج است و لازم است که از جانب دولت ها، تشکلات مدنی و جامعه نیز حمایت هایی صورت پذیرد. کودکان با ظرفیت های روانی، اجتماعی و جسمی متفاوتی متولد می شوند که این ظرفیت به آنها اجازه می دهد از طریق ارتباط با محیط پیرامون خود ، بیاموزند و سیر تکامل خود را طی کنند. اگر این ظرفیت ها شناخته نشده و مورد حمایت قرار نگیرند، به جای شکوفایی، پژمرده شده و از بین خواهند رفت. اگر مغز خوب تکامل یابد، پتانسیل یادگیری افزایش یافته و احتمال شکست تحصیلی و نیز شکست در زندگی کاهش می یابد..

اثرات آنچه در طول نخستین ماه ها و سال های زندگی کودک و حتی در دوره قبل از تولد روی می دهد ، می تواند در تمام طول عمر وی ادامه یابد. همه عوامل کلیدی ذهنیت عاطفی – از قبیل اعتماد ، کنجکاوی ، هدفمندی ، خویشتن داری ، حفظ رابطه ، ظرفیت برقراری ارتباط با دیگران و برخوردار بودن از روح همکاری – یعنی عوامل تعیین کننده چگونگی آموزش کودک در مدرسه و برقراری ارتباط با دیگران در زندگی ، بستگی به نوع مراقبت های نخستینی دارند که کودک از محیط پیرامونی خود در سال های

نخستین زندگی (پدر و مادر، آموزگاران دوره پیش دبستانی و مددکاران) دریافت می کند. البته برای کودکان هیچ وقت دیر نیست که تندرستی و بالندگی خود را بهبود بخشند، مهارت های تازه بیاموزند، بر ترس های خود غلبه کنند، یا باورهای شان را تغییر دهند اما - چنانکه غالباً نیز اتفاق می افتد - وقتی که کودکان از "سر آغازی" درست و بایسته برخوردار نشده باشند، هرگز از عهده جبران آثار کوتاهی هایی که در حق آنها شده است بر نمی آیند و به شکوفا کردن کامل استعداد های خود نایل نمی شوند.

قدرت یادگیری کودک در سنین پیش از دبستان بسیار بالا و عمیق است. کودک در ۶ سالگی حدوداً ۹۰ درصد رشد مغزی خود را پشت سر گذاشته است؛ بنابراین هر چه از بدو تولد، از توانایی های مغز بیشتر استفاده نماید، اتصالات و سیناپس ها کامل تر و بیشتر رشد خواهند کرد و توان آموزشی او افزایش خواهند یافت. باید توجه داشت که کمبود های تغذیه ای در این دوران حساس زندگی کودک، به شدت بر توانمندی های ذهنی او اثر می گذارد. امروزه می دانیم ضریب هوشی کودکی که از شیر مادر محروم شود، ۸ درجه؛ کودکی که با کمبود آهن روبه رو باشد، ۵ درجه و کودکی که با کمبود ید مواجه است، ۱۳ درجه نسبت به آنها که از این غفلت ها مصون مانده اند، کمتر است. می دانیم که سوء تغذیه دوران جنینی می تواند سلامت تمام دوران حیات را به مخاطره اندازد. ولی آیا تاکنون توانسته ایم محاسبه کنیم که کمبود های عاطفی در این دوران حساس چگونه می تواند زندگی کودک را دچار سرگردانی، بی تفاوتی و خود ستیزی کند؟ آیا به پتانسیل تکاملی کودک از بدو تولد اندیشیده ایم و بستر مناسبی برای رشد تکاملی او مهیا کرده ایم؟ البته رشد و پرورش کودک عرصه های متعدد به هم پیوسته ای چون رشد حسی حرکتی، شناختی و اجتماعی و هیجانی را دربردارد و توجه به تمام عرصه ها برای رسیدن به حداکثر توانمندی های بالقوه، حق اوست.

یافته های علمی نشان می دهند که حدود ۲۰۰ میلیون کودک زیر پنج سال از رسیدن به حداکثر پتانسیل تکاملی، شناختی، اجتماعی و عاطفی خود باز می مانند. عواملی که موجب این زیان بزرگ می شوند، شامل سوء تغذیه (کمبود آهن - کمبود ید...) و تحریک ناکافی تکامل شناختی در پنج سال اول زندگی هستند؛ عواملی که پیشگیری از آن ها ساده است و راه حل های روشن دارد. به علاوه، کودکان باید در محیطی سالم به دور از خشم و خشونت، ظلم و شرارت، فقر و تبعیض زندگی کنند. حقیقتاً کودکان سرمایه های یک ملت اند و باید برای شاد زیستن و رفاه کامل جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی که موجب دستیابی به توانمندی های بالقوه آنان می شود، برنامه ای داشت اما، آیا می توان انتظار داشت در شرایطی که بستر مناسبی برای رشد جسمی، عاطفی و اجتماعی کودکان فراهم نیست، همه کودکان تبدیل به جوانانی مبتکر، خلاق، توانمند و پویا شوند؟ آیا ما نیازهای متفاوت انسان را از لحظه تکوین، طول دوران جنینی و بعد در سال های اولیه رشد و تکامل می شناسیم و به آن نیازها پاسخ مناسب داده ایم؟ آیا تاوان بی توجهی ما گسترش فضاهای ناسالم، فرار از خود، پناه بردن به مصرف مواد مخدر، خود ستیزی، غیر ستیزی، رواج خشونت و انعکاس ظلم و شرارت نخواهد بود؟

وقتی کودک خردسال را در آغوش گرفته و نوازش می کنیم و نیازهای عاطفی وی را تامین می نماییم وی را در برابر اثرات فشارهای روحی که بعدها در زندگی تجربه می کند، تا حدودی "مصونیت" می بخشیم.

در نخستین لحظات، ماه ها، و سال های اول زندگی، هر لمس، حرکت، و ارتباط عاطفی در زندگی یک کودک، در مغز او به شکل انفجاری از فعالیت های الکتریکی و شیمیایی در می آید، زیرا در این سنین میلیاردها سلول مغزی در حال سازمان دهی شبکه هایی با

میلیاردها میلیارد سیناپس (روابط میان سلول های مغز) است. انواع تجربه ها بر چگونگی تکامل مغزهای جوان تاثیر می گذارند اما در این بین ، هیچ چیز مهم تر از مراقبت و تغذیه مناسب در سالهای نخست زندگی نیست .

اسلام عالی ترین توجهات را به کودک و تکامل و تربیت وی داشته چنانکه انتخاب نام زیبا، احترام به فرزندان، پرورش و آموزش مناسب، توجه به نیاز روابط دوستانه و رفاقت، صحبت با کودک، محبت، اجتماعی شدن فرزندان، مشورت با فرزندان، رفتار عادلانه و به دور از تبعیض، آموزشهای دینی و تقویت مبانی اعتقادی و سطح دانش و معرفت کودک جملگی از مصادیق مهم و مورد توجه دین اسلام می باشد(۴) بدیهی است که کم توجهی به این توصیه ها سبب رشد و تکامل کمتر کودکان جامعه اسلامی ایران نسبت به سایر کشورها خواهد شد و یقیناً این موضوع ما را از اهداف عالی نظام اسلامی دور نگاه خواهد داشت. تکامل ابتدای کودکی یکی از حیطه های اولویت دار رویکرد تعیین کننده های اجتماعی سلامت است ، که به تاثیر عوامل اجتماعی از قبیل شغل، درآمد، تحصیلات، جنسیت بر سلامت تاکید دارد . اعتقاد بر این است که برنامه ریزی های طولانی مدت و متعهدانه در این حیطه می تواند منجر به بهبود عدالت و کاهش نابرابری در طول نسل ها گردد. لذا جمهوری اسلامی ایران از طریق مداخله در عوامل اجتماعی نامطلوب تاثیرگذار بر سلامت فعالیت می نماید و با توجه به دستورات اکید دین مبین اسلام در این زمینه ، بر خود لازم می داند ، برای دستیابی به عدالت در سلامت پایدار و مستمر، برنامه های تکامل ابتدای کودکی را در کشور طرح ریزی و اجرا نماید. در واقع تکلیف کلیه دولت مردان و برنامه ریزان سلامت کودکان کشور ، حمایت و تاکید بر اجرای بهینه این برنامه با توجه به دستورات دین مبین اسلام و قران و مستندات علمی می باشد..

مفهوم تکامل ابتدای کودکی

مراقبت های تکاملی دوران ابتدای کودکی حیطه ای است که در آن عناصری از قبیل محرک های دوران شیرخوارگی، سلامت و تغذیه، آموزش های دوران ابتدای کودکی، توسعه و تکامل اجتماعی ، روان شناسی، جامعه شناسی، انسان شناسی و مسائل اقتصادی با هم آمیخته گردیده است. اگر قصد، حمایت از کودکان و کمک به رشد و تکامل آنان باشد، ضروری است که جنبه های تکامل آنها را شناخته و درک نموده، هم چنین به محیطی که کودک در آن زندگی می نماید توجه نماییم.

مراقبت های تکاملی دوران ابتدای کودکی (Early Childhood Care for Development)

شامل تمام حمایت های ضروری از هر کودک ، هم چنین در برگیرنده محافظت ها و مراقبت های تضمین کننده تکامل مطلوب کودک از تولد تا سن هشت سالگی می باشد.

برای درک بهتری از معنای جمله فوق لازم است که از معانی اصطلاحات کلیدی درک مشترکی داشته باشیم.

- دوران ابتدای کودکی (early childhood)
- مراقبت (care)
- تکامل (development)

دوران ابتدای کودکی (early childhood)

آن چه که به طور رایج مورد استفاده قرار می گیرد، دوره ای از زندگی کودک است که از زمان لقاح و دوره جنینی تا سن هشت سالگی را در بر دارد. از لحاظ رشد و نمو فیزیکی، اجتماعی، احساسی و عقلانی کودکان، دوران ابتدای کودکی زمانی است که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. تجارب خوب و مناسب در این دوران، از جمله کمک خانواده ها به منظور تامین نیازهای کودکان، سبب بهبود تکامل کودکان و دستیابی به حد مطلوب تکاملی اشان خواهد شد. بنابراین اگر مشکلات و مخاطرات محیط فیزیکی و اجتماعی بر سر راه تکامل کودکان، که سبب تاخیر تکاملی آنها می گردند، به موقع شناخته و تلاش جهت برطرف کردن و یا به حداقل رسانیدن آنها صورت گیرد، می توان از بسیاری از پیامدهای ناگواری که حتی در دوران بزرگسالی گریبانگر فرد خواهند شد، اجتناب نمود.

• در نظر گرفتن این دوره دو دلیل دارد:

□ از دیدگاه تئوری های یادگیری، دوره زمانی از تولد تا ۸ سالگی، زمانی از زندگی است که در آن غالباً یادگیری از طریق رفتار رخ می دهد. این دوره زمانی، با تکامل روانی مرتبط با یادگیری کودکان سروکار دارد و بیشترین فراگیری در کودکان زیر سن هشت سالگی، زمانی اتفاق می افتد که آنها اشیایی در اختیار داشته، بتوانند آنها را دستکاری کنند و فرصت و شانس کشف دنیای اطرافشان را داشته باشند. البته اینها همگی باید در محیطی امن و محرک تامین شوند تا کودکان بتوانند از طریق آزمون و خطا بیاموزند و تجربه کنند. در حدود سن ۷ تا ۸ سالگی، کودک به سن دلیل و استدلال می رسد و در این سن به شکل متفاوتی به دنیا می نگرد. در این زمان می تواند با ایده ها بازی کند، مفاهیم را از نظر ذهنی یاد بگیرد و کمتر به اشیا وابسته باشد. گرچه در این دوران، یادگیری از طریق مشاهده و شنیدن نیز صورت می پذیرد.

□ به دلیل اهمیت پیوستگی تجارب کودکان، تعریف (early childhood) دوران ابتدای کودکی از تکامل دوران پره ناتال شروع و تا سالهای ابتدای مدرسه (سن ۶ تا ۸) ادامه می یابد. هر چند که ساختار مغزی از لحاظ بیولوژیکی و وراثتی تعیین می گردد اما این ساختار در دوره پره ناتال به تکامل خود ادامه می دهد و در واقع ارتباطات درون مغزی، که زیربنای مهم و حیاتی برای تکامل آتی فرد هستند، از تعاملات و ارتباطات کودک با

محیط اطراف شکل می گیرند(انسان و اجسام). سریعترین دوره تکامل مغز در طی دو سال ابتدای زندگی اتفاق خواهد افتاد که این خود پایه ای برای عملکرد هوشی، هیجانی عاطفی، فیزیکی/ایمنولوژیکی و اجتماعی کودک می گردد. تجارب کودک از دوران دو تا پنج سالگی زیر بنای یادگیری های بعدی و تحصیلات رسمی و مهارت های اجتماعی وی خواهد بود.

مراقبت (care)

در دهه ۱۹۸۰ اصطلاح (care) مراقبت به تکامل ابتدای دوران کودکی **early childhood development** اضافه شد تا ذهن سیاستگذاران و برنامه ریزان را از این که برنامه های تکامل دوران ابتدای کودکی تنها معادل با برنامه های پیش دبستانی است، دور نماید. تا این زمان برنامه های مراقبت کودکان (**child care**) از نظر مفهومی و تحت اللفظی از برنامه های پیش دبستانی جدا و این قبیل برنامه ها اغلب با سلامت، کار زنان و خدمات اجتماعی مرتبط بودند. در راستای تلاش برای وسیع تر نمودن برنامه های دوران ابتدای کودکی، عبارت مراقبت و تکامل دوران ابتدای کودکی **Early Childhood Care & Development** مرسوم گردید. در دهه ۱۹۹۰ کلمه مراقبت معانی مختلفی به خود گرفت. در ابتدا یونیسف آن را در ارتباط با برنامه های تغذیه ای به کار برد (یعنی توجه نمودن به این نکته که تغذیه خوب چیزی بیش از تامین غذای کودکان است) و مراقبت (**care**) به عنوان یک جز کلیدی در فرآیند تغذیه که خود سبب ارتقا رشد و تکامل می شود، محسوب گردید. کودکانی که تحت توجهات مراقبتی نیز قرار می گیرند، نسبت به کودکانی که این قبیل مراقبت ها را دریافت نمی کنند، تغذیه بهتری داشته و کمتر مستعد ابتلا به بیماری هستند و هم چنین یادگیری بهتری دارند. بر عکس، کودکانی که مورد مسامحه و غفلت قرار می گیرند، مستعد ابتلا به انواع بیماری ها و سوء تغذیه بوده و توان و انگیزه کمتری برای یادگیری دارند. در حال حاضر مراقبت به عنوان فرآیندی تلقی می گردد که منجر به ایجاد محیط توانگر کننده حامی تکامل کودک می شود. از لحاظ عملی، مراقبت مبنای فرهنگی دارد و شامل تسهیلاتی می شود که بزرگسالان و سایر افراد مهم در زندگی کودک قادر به تامین آن هستند؛ از قبیل محیط سالم و امن، تعاملات حمایتی و اثرگذار، الگوهای مناسب، محرکات، محافظتها ... که همگی از اجزاء مورد توجه حقوق کودکان به شمار می روند. به طور خلاصه مراقبت مجموعه ای از اقدامات منسجم است که ضامن تشریک مساعی برای حمایت و حفاظت از جنبه های سلامت، تغذیه، روانی اجتماعی و شناختی تکامل کودکان می باشد. پس مراقبت یکی از عوامل کلیدی در ارتقا تکامل مطلوب کودکان محسوب می گردد.

تکامل (development)

فرآیندی از تغییرات است که کودکان را از لحاظ حرکتی، فکری، احساسی، تعاملی با مردم و عوامل محیطی به سطوح بالاتری از کامل شدن می‌رساند. تکامل کودکان شامل آشکار شدن ویژگی‌های بیولوژیکی و رفتارهای نشأت گرفته از آموخته‌های مبتنی بر تجارب می‌باشد. رشد فیزیکی، ذهنی و هیجانی، نقش حیاتی در تکامل کلی کودکان دارند.

هم چنین یادگیری نقش بسیار مهمی در تکامل دارد، که خود به عنوان فرآیند اکتساب دانش، مهارت‌ها، عادات و ارزش‌ها از طریق تجربه، آزمایش، مشاهده، بازتاب و/یا مطالعه و آموزش تعریف می‌گردد. وضعیت تکاملی موجود هر کودک، می‌تواند بر یادگیری جاری و آتی او تاثیر گذاشته آن را تسهیل نموده و یا از آن ممانعت به عمل آورد. یادگیری، بخشی کلیدی از فرآیند تکامل و یکی از پیامدهای آن است که به شدت تحت تاثیر کیفیت مراقبت‌هایی که کودک دریافت می‌کند، قرار می‌گیرد.

اگر تامین مراقبت مناسب در زمینه حمایت از تکامل کودکان را وظیفه خود بدانیم، باید توجهی ورای توجهات بخشی داشته باشیم و درک کنیم که چگونه انواعی از مراقبت‌ها که منجر به بقا و حداکثر تکامل و محافظت از کودکان می‌شود را تامین نماییم و باید بدانیم که تکامل سالم و همه‌جانبه از حقوق اصلی و اولیه کودکان است. باید بفهمیم که چه مراقبت‌هایی برای کودک لازم است و نیز چگونه این مراقبت‌ها را در موقعیت‌های مختلف به کار گیریم. این گونه ادراکات است که ما را به ایجاد برنامه‌های دوستدار کودک، برنامه‌های متمرکز بر خانواده و مبتنی بر جامعه که خود حامی تکامل کودکان هستند، رهنمون می‌گردد.

برنامه ریزی در زمینه مراقبت و تکامل ابتدای دوران کودکی یعنی برآورده کردن نیازهای چندگانه کودکان از طریق مد نظر قرار دادن سلامت، تغذیه و محرکات روانی اجتماعی، در حالی که هم زمان با اینها ضروری است که نسبت به تقویت محیطی که کودکان در آن زندگی می‌کنند نیز اقدام نماییم.

بنابراین، برنامه ریزی مراقبت و تکامل ابتدای دوران کودکی علاوه بر توجه به نیازهای اختصاصی کودکان شامل موارد زیر نیز می‌گردد:

- تعامل با پدران و مادران به منظور تقویت مهارت‌های والدین
- تعامل با خواهر و برادرهای کودک و سایر اعضای فامیل به منظور شناخت و توجه به نیازهای اختصاصی تکاملی کودکان
- اقدام برای تامین یا تقویت گزینه‌های مراقبت روزانه
- تلاش برای حمایت از زنان و خانواده‌ها از طریق حمایت‌های اقتصادی
- ظرفیت‌سازی در جامعه و خانواده
- تعامل با جامعه به منظور ارزیابی مشکلات مبتنی بر جامعه و حل آنها
- تهیه و تدوین برنامه‌های بین بخشی

□ به حرکت در آوردن بسیج های اجتماعی^(۷)

کودکان

استثنایی

در حقیقت همه افراد انسان ها از نقطه نظر خصوصیات مختلف جسمانی، بیولوژیکی، ذهنی، روانی و عاطفی، سازگاری اجتماعی و... یکسان نبوده و نسبت به همدیگر دارای تفاوت های خاصی هستند. نه تنها هر فرد نسبت به افراد دیگر از نقطه نظر ابعاد مختلف جسمانی و ذهنی دارای تفاوت های ویژه ای است بلکه بین توانایی ها و استعداد های مختلف وی نیز تفاوت هایی مشهود و موجود است لذا بدین ترتیب هر فرد نسبت به افراد دیگر استثنایی است و کلمه «استثنایی» به طور اعم و به معنای دقیق علمی خود نمی تواند فقط به گروه های خاصی از افراد جامعه اطلاق شود. آنچه که ما اصطلاحاً «کودک استثنایی» می گوئیم غالباً بدین معناست که کودک از نظر هوشی، جسمی، روانی و اجتماعی به میزان قابل توجهی نسبت به دیگر همسالان خود متفاوت است به صورتی که نمی تواند به نحوی مطلوب حداکثر استفاده را از برنامه های آموزش و پرورش عادی ببرد و ناگزیر نیازمند به توجه خاص و آموزش و خدمات فوق العاده می باشد. از نظر آموزشی کودک استثنایی کودکی است که برای تأمین حداکثر نیازهای تربیتی و آموزشی او باید تغییراتی در شیوه های تربیتی و آموزشی خانواده و در برنامه های مدارس عادی داده شود. کودک استثنایی ابتدا باید به عنوان یک کودک مورد توجه قرار گیرد و در مرحله بعدی باید به عنوان کودکی با خصوصیات و صفاتی استثنایی نسبت به سایر کودکان مورد توجه باشد. در واقع این ویژگی ها و تفاوت هاست که مربیان و مشاوران و معلمان با آن سر و کار دارند و این تفاوت ها هستند که پدران و مادران باید خود را با آن سازگار و هماهنگ کنند. مطابق آمار تأیید شده سازمان های بین المللی از جمله یونسکو تعداد تقریبی افرادی که به لحاظ تفاوت های محسوس فردی نیاز به برنامه های آموزشی ویژه ای دارند در هر جامعه بین ۱۰ الی ۱۵ درصد است. البته این تعداد شامل افراد عقب مانده ذهنی، افراد تیزهوش و سرآمد، نابینا و نیمه بینا، ناشنوا و نیمه شنوا، ناسازگاران اجتماعی و معلولان جسمی نیز می شود.

کودکان

تیزهوش

کودکان تیزهوش یا پرتوان برخلاف سایر کودکان استثنایی ممکن است در تمام دوران زندگی خود شناخته نشوند و کسی به نبوغ ذاتی آنان پی نبرد. یک کودک نابینا یا عقب مانده ذهنی به زودی از روزها و ماه های اول زندگی، توسط اطرافیان تشخیص داده می شود و از همان موقع اطرافیان در صدد چاره جویی یا لاقط مراجعه به پزشک، مدرسه و مربی متخصص برمی آیند. ولی کودک تیزهوش چون علامت مشخصی ندارد و از طرفی کمتر کسی با روحیه و رفتار او آشنایی دارد ممکن است سال ها و حتی تا پایان

زندگی شناخته نشود. نبوغ نباید الزاماً در تمام رشته ها و موضوعات در کودکی ظاهر گردد، چه بسا کودک تیزهوشی که در برخی از رشته ها از استعدادی شگرف برخوردار است در بعضی از دروس یا مطالب در حدی عادی و متوسط رشد نماید. لذا نباید تصور کرد که کودکی تیزهوش است که در تمامی جهات مستعد و پرتوان باشد. به طور کلی می توان گفت نخستین شرط تیزهوشی داشتن هوش بهری (IQ) حدود بیش از ۱۳۰ است و علاوه بر بهره هوشی ممتاز، قدرت خلاقه، توانایی در استدلال و ابتکار در کار را نیز باید در نظر گرفت. زودرسی استعداد و علاقه به رقابت با کودکان بزرگتر نیز از جمله مشخصاتی است که نزد کودکان تیزهوش دیده می شود و اصولاً این گونه کودکان و نوجوانان به جای بازی با همسالان، بازی و مباحثه با همفکران را ترجیح می دهند و به همین سبب اکثراً در گروه سنی بزرگترها جایی برای خود باز می کنند.

تحقیقات مارتین سون (Marin son) نشان دهنده آن است که کودکان تیزهوش از نظر سلامت، و به خصوص جنب و جوش و داشتن انرژی بر کودکان هم سن و سال عادی خود برتری دارند. یک کودک تیزهوش موجودی است که عوامل ارثی و محیطی او را به صورت فردی پیچیده، استثنایی و باهوش تر از افراد عادی درآورده است.

گرچه تمامی کودکان تیزهوش از بهره هوشی بالایی برخوردارند، لکن دارای خواسته ها، نیازها، علایق و خصوصیات متفاوتی می باشند که مانع شناخت الگوی واحدی از رفتار و خصایص آنها می گردد. به هر صورت چنین اختلافاتی، دلیل آن نخواهد بود که آنها دارای خصوصیات و وجوه مشترکی نباشند و نتوان آنها را در یک طبقه خاص قرار داد.

ترمن و آدن، در مطالعاتی، مشخصات عمومی تیزهوشان را اینچنین بیان کرده اند که وضع جسمانی تیزهوشان به طور کلی از سایر افراد بهتر است. در یادگیری زبان، خواندن، هنر و ادبیات، علوم و ریاضیات از سایر کودکان پیشی گرفته اند. توجه و علاقه این کودکان به سوی مسائل مختلف است و زودتر و سریعتر از سایر کودکان به خواندن می پردازند و بیشتر و بهتر می خوانند. دارای سرگرمیهای گوناگون هستند و کمتر تقلب می کنند. از ثبات عاطفی و اعتماد به نفس بیشتری برخوردار می باشند و در کارهای اجتماعی گرایش بیشتری از خود نشان می دهند.

در گذشته چنین تصور می شد که تیزهوشان افرادی گوشه گیر و منزوی هستند و نیروی سازش و همکاری با سایر افراد را ندارند، در حالی که مطالعات انجام شده نشان می دهد که تیزهوشان دارای نیروی سازش بیشتری هستند و در برخورد با ناملايمات از اعتماد به نفس و ثبات عاطفی بیشتری برخوردارند و بهتر مبارزه می کنند و یکی از خصوصیات بارز این افراد استقلال طلبی آنهاست.

دلایل سرمایه گذاری در زمینه تکامل ابتدای کودکی

از ۲۵ سال پیش تاکنون، این سوال مطرح بوده که به چه دلیل در برنامه های تکامل ابتدای کودکی سرمایه گذاری نماییم؟ در گذشته این طور فکر می شد که تجارب سال های ابتدای کودکی تنها از خانواده کسب می شود و لذا به نقش دولت و سایرین توجهی

نمی شد. امروزه، گرچه این قبیل ملاحظات هنوز تا اندازه ای وجود دارد، اما توسط دانش و اطلاعات در خصوص منافع حاصل از سرمایه گذاری اولیه حمایت می شود، این دانش از طریق تدوین برنامه های موفق، بر اساس تقاضاهای جدید مرتبط با تغییرات اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، سیاسی و شرایط تحصیلی و نیز بر اساس راه های جدید تفکر در خصوص کودکان و جامعه شکل گرفته است و سبب گردیده است تفکرات بدبینانه تا حد زیادی کاهش یابد.

برخی از استدلالات اختصاصی در حمایت از سرمایه گذاری در زمینه تکامل ابتدای کودک عبارتند از:

۱. کودکان حق زندگی و کامل شدن تمام ظرفیت هایشان را دارند

حقوق کودکان ولزوم توجه به رشد و بالندگی انسان، دلایل خدشه ناپذیر سرمایه گذاری در دوران نخستین کودکی می باشند. علوم اعصاب و روان تاثیر دوران نخستین زندگی کودک بر بقیه عمر را به اثبات می رسانند.

بیانیه های ذیل از برخی از کنفرانس ها و پیمان نامه های جهانی حاصل شده است:

- تمام کودکان، بدون توجه به جنسیت، نژاد، زبان، مذهب و ... باید فرصت پرورش و تکامل تمام ظرفیت هایشان را داشته باشند؛
- کودکان، بنا به دلایل آسیب پذیری ذهنی و جسمی اشان، به مراقبت ها و محافظت های اختصاصی نیاز دارند؛
- کودکانی که خصوصا در شرایط سخت به سر می برند، نیازمند ملاحظات اختصاصی هستند؛
- مسئولیت اولیه پرورش، تکامل و آموزش کودکان، به عهده والدین و خانواده هایشان است؛
- حکومت ها باید محیط مناسبی را ایجاد نمایند که خانواده ها و جوامع را قادر به انجام مسئولیت های تربیتی و محافظتی از فرزندانشان نماید.

۲. شواهد در زمینه ارزش توجه اولیه به نیازهای کودکان

نگاهی هرچند سطحی به وضع کودکان و نوجوانان در جامعه، نشانگر مشکلاتی عظیم است که ریشه در عدم آمادگی روانی - جسمانی، به ویژه ناکارآمدی اصول و مبانی آموزش الفبای آن در قالب بازی های مفرح ایستا و پویا به کودکان دارد. این معضل نه تنها بر ساختار بدنی، سلامت فرد و سبک زندگی او در آینده تاثیر دارد بلکه بر کسب فضایل اخلاقی که غفلت از آن به قیمت شرافت انسانی و فنای اخلاق تمام میشود، اثرگذار خواهد بود. بی توجهی و ساده اندیشی در این مورد موجب شده است، روابط انسانی آن چنان دچار بحران شود که چون گردبادی عظیم با تکیه بر نیروهای مخرب ناشی از انحرافات، کج رویها، ناسازگاریها، انحطاطهای اخلاقی در سطحی وسیع، حال و آینده نسل کنونی و بعدی را به خطر اندازد. متأسفانه مردم تدریجا با چنین زمینه

ای خو کرده و گمان می کنند وضع باید به همین گونه ای باشد، که هست . به عقیده جامعه شناسان زمینه بسیاری از کج رویها و انحرافات را نخست خانواده و بعد اجتماع و فرهنگ به وجود می آورند . بنابراین ، برای اصلاح آن باید به سالم کردن هدفمند این دو محیط پرداخت . لذا برای سازندگی کودکان زیر ۸ سال به عنوان نسل جدید ، بهتر است اصلاحیه هایی در برنامه های آموزشی این گروه به شکلی هدفمند صورت گیرد . فراموش نکنیم که طفل امانتی از سوی خدا در دست والدین و جامعه است . کودک اعم از پسر و دختر ودیعه ای آسمانی است که به پدر و مادر سپرده می شود و قلب پاک فرزند گوهر گرانبهای و نفیس و آئینه مصفایی است ، که قابلیت پذیرفتن همه خوبی ها را دارد . والدین نخستین کسانی هستند که کودک از آنها منشاء می گیرد و با آنها در تماس است . ساختار زندگی امروزین و در گیر بودن والدین در مشاغل و حرفه های گوناگون موجب شده است تا مهمترین سالهای شکوفایی کودکان در اختیار مربیان مهدهای کودک به عنوان عاملان تربیت قرار گیرد و عالیتین نقش را در زمینه پرورش و رشد شخصیت کودک ایفا کنند . اندیشمندان بر این باورند که لازمه برنامه ریزی و کار با هر ابزاری آگاهی کامل از تمامی ویژه گی ها و زوایای کارکردی آن ابزار می باشد . تحقیقات نشان می دهند که بیشترین میزان تکامل عقلانی در کودکان در سن قبل از هفت سالگی رخ می دهد . سال اول زندگی از لحاظ تغذیه و رشد فیزیکی کودک بسیار با اهمیت است . کودکانی که در این دوره زمانی با مشکلاتی مواجهه می شوند ممکن است در معرض خطر تاخیر و یا تضعیف تکامل شناختی (ذهنی) قرار گیرند . در خلال دو سال اول عمر ، بیشترین رشد سلول های مغزی به همراه ایجاد ارتباطات عصبی در مغز رخ می دهد که این فرآیند نه تنها تحت تاثیر وضعیت تغذیه ای و سلامت کودک قرار می گیرد ، بلکه از انواع تعاملات کودک با مردم و محیط نیز تاثیر می پذیرد .

۳. شواهدی دال بر منافع اقتصادی سرمایه گذاری در سال های ابتدایی عمر برای اجتماع

سالیان درازی است که توسعه اقتصادی یک مشغولیت ذهنی برای دولتها محسوب می شود . در داخل کشورها سالیانه بلیون ها دلار به عنوان کمک هزینه برای شرکتهای و موسسات خرج می شود تا فعالیت های تجاری اشان را مستقر کرده و گسترش دهند . اما مطالعات نشان داده اند که یکی از پر بازده ترین سرمایه گذاری ها که کمتر از دیدگاه اقتصادی نیز به آن توجه شده است ، سرمایه گذاری در زمینه تکامل دوران ابتدای کودکی است . چندین مطالعه طولی که در میان تعدادی از کودکان در معرض خطر خانواده های کم درآمد انجام شده ، نشان داده است که سرمایه گذاری در زمینه تکامل ابتدای کودکی ، بازگشت سرمایه ای بسیار چشمگیری را به همراه دارد . نتایج این قبیل مطالعات نشان داده که بازگشت سرمایه حاصل از برنامه های با کیفیت بالای تکامل ابتدای کودکی در حدود ۱۶٪ (مطابقت داده شده با میزان تورم) است ، در حالیکه بازگشت سرمایه گذاری عمومی سالیانه ۱۲٪ (مطابقت داده شده با میزان تورم) می باشد . در حال حاضر گفتگو بر سر موفقیت برنامه های تکامل ابتدای کودکی در مقیاسی بزرگتر مطرح است که در صورت رعایت نکات ذیل احتمال این موفقیت افزایش خواهد یافت:

۱. تمرکز برنامه بر کودکان در معرض خطر باشد و مشارکت مستقیم والدین را تشویق نماید؛
۲. برنامه ها تعهدات بلند مدتی برای تکامل ابتدای کودکی ایجاد نمایند؛
۳. به منظور تشویق فعالیتها و اقدامات خلاقانه و با کیفیت ، به دستاوردهای موفق پاداش داده شود .

شرایطی که دلالت بر در معرض خطر بودن کودک دارد عبارتند از درآمد پایین خانواده، خشونت در داخل خانه و یا بی توجهی که در داخل خانه نسبت به کودکان اعمال می گردد، سطح تحصیلات پایین والدین، وزن کم زمان تولد و وابستگی والدین به مواد مخدر و.....

هم چنین نشان داده شده است که جامعه از سرمایه گذاری در زمینه تکامل ابتدای کودکی به واسطه افزایش سودمندی اقتصادی در طول عمر کودک، افزایش گزینه های اشتغال، ارتقا یادگیری و نیز از طریق ذخیره هزینه های اجتماعی در حیطه هایی از قبیل میزان های نام نویسی در مدرسه، مردود شدن، ترک تحصیل (کودکانی که توجهات مناسب ابتدایی را دریافت می کنند، احتمال بیشتری برای نام نویسی در مدرسه، مردود نشدن و عدم ترک تحصیل دارند) منتفع می گردد. در این زمینه می توان کاهش بزهکاری و کاهش مصرف مواد مخدر را نیز به این قبیل منافع اضافه نمود. فردی که از لحاظ جسمی، ذهنی، اجتماعی و عاطفی به خوبی تکامل یافته است، خواهد توانست موقعیت شغلی بهتری کسب نموده و در اقتصاد خانواده، اجتماع و کشورش سهم گردیده، مفید واقع شود. بالا رفتن توان تولیدی فرد سبب بهبود سطح زندگی وی می گردد.

صرفه جویی بعدی در هزینه های آموزشی جبرانی و مراقبت های بهداشتی و خدمات توانبخشی، و فرصت کسب درآمدهای بالاتر برای والدین و مددکارانی که به این ترتیب با خیال راحت تر می توانند وارد بازار کار شوند، از فواید اقتصادی عمده این برنامه می باشند.

از دیدگاه اقتصادی، برنامه های مراقبت و تکامل دوران ابتدای کودکی، یک سرمایه گذاری مناسب و هزینه اثربخش محسوب می گردند. اهمیت بهبود وضعیت منابع انسانی از دیدگاه اقتصادی، بر اهمیت اتخاذ این گونه برنامه ها در کشورها می افزاید. برنامه های تکامل ابتدای کودکی منافی فراتر از منافع صرف برای کودکان دارد که شامل منافع اقتصادی و اجتماعی در سراسر زندگی می گردد. برخی از منافع اختصاصی برنامه های تکامل ابتدای کودکی برای کودک و اجتماع در جدول زیر خلاصه شده اند.

منافع برنامه های تکامل ابتدای کودکی		
برای	تغییرات در	ماهیت تغییر
کودکان	تکامل روانی-اجتماعی	تکامل شناختی بهتر (تفکری، استدلالی)؛ تکامل اجتماعی بهتر (ارتباطات با دیگران)؛ تکامل احساسی بهتر (خود شناسی، امنیت)؛ مهارت های تکلمی بهتر
سلامت		افزایش احتمال زنده ماندن؛ کاهش ناخوشی ها؛ تغذیه بهتر؛ بهداشت بهتر و نسبت وزن به قد مناسب تر براساس سن؛ تعادل بهتر ریز مغذی ها

	عملکرد و پیشرفت	شانس بالاتر برای ورود به دبستان؛ احتمال کمتر مردود شدن؛ عملکرد بهتر
بزرگسالان	دانش کلی نگرش و عملکرد ارتباطات استخدام	سلامت و بهداشت بهتر؛ تغذیه و رژیم غذایی (مرتبط با وضعیت تغذیه ای فرد و کودک) مهارت های رهبری؛ عملکردهای پیشگیرانه طبی بهتر؛ فرصت های درمانی مناسب تر؛ تغذیه؛ رژیم غذایی بهتر اعتماد به نفس بهتر؛ روابط بهتر زن و شوهر، کودک و والد، هم سانان و کودک به کودک شرایط اشتغال بهتر خصوصا برای مراقبین کودک؛ فرصت های اشتغال جدید که توسط این برنامه ایجاد می شود؛ افزایش بازار کالاهای مرتبط با برنامه
اجتماع	محیط فیزیکی مشارکت اجتماعی موسسات اثر بخشی ظرفیت	بهبود بهسازی محیط؛ فضاهای بازی؛ تسهیلات چند منظوره جدید انسجام بیشتر؛ افزایش مشارکت زنان؛ پروژه های اجتماعی عام المنفعه بهبود کارآیی؛ توجهات بهداشتی بهتر از طریق خدمات منسجم و یا تغییراتی که در عملکرد مصرف کنندگان ایجاد شده است؛ کاهش مردودی و ترک تحصیل پوشش بیشتر توانایی بیشتر؛ اطمینان و/یا تغییراتی در تشکیلات؛ متدها و محتوای آموزشی اصلاح یافته
جامعه	کیفیت زندگی	جمعیت سالم تر؛ کاهش تعداد روزهای از دست رفته به دلیل بیماری؛ سواد بیشتر؛ جمعیت تحصیل کرده تر؛ مشارکت اجتماعی بیشتر؛ نیروی کاری بهتر؛ کاهش بزهکاری؛ کاهش باروری و بارداری های زود هنگام؛ کاهش نابرابری های اجتماعی

۴. کودکان آینده ساز کشور هستند؛ آنها ارزش های فرهنگی را جاودانه می سازند

معیارهای انسانی توسط کودکان به ارزشها تبدیل می شود. حراست از ارزش های اخلاقی و اجتماعی و بهبود آنها، از کودکی باید آغاز گردد. ارزش هایی از قبیل سازگاری با یکدیگر در زندگی، حفاظت از محیط زیست همگی می توانند از طریق برنامه های تکاملی دوران ابتدای کودکی توسعه یابند. موقیعت یک کشور در اقتصاد

جهانی بستگی به صلاحیت مردم آن کشور دارد و پایه این صلاحیت در سال های آغازین عمر - قبل از آنکه کودک به سن ۸ سالگی برسد - نهاده می شود

۵. برنامه های دوران ابتدای کودکی، سبب بهبود وضعیت عدالت می شوند

تحقیقات نشان داده اند که برنامه های مراقبت و تکامل ابتدای کودکی که از اثربخشی خوبی برخوردار هستند، خصوصا برای کودکان در معرض خطر، منافع عمومی و اختصاصی پایداری ایجاد می نماید. یک مسئله ای که باید در نظر داشت رویکرد عدالت محوری در این زمینه است و باید بیشترین تمرکز بر کودکان محروم باشد. بی عدالتی در منابع اقتصادی اجتماعی منجر به بی عدالتی در تکامل ابتدای کودکی می شود، برای مثال سیاست های دولت برای تامین خانواده و جامعه از نظر درآمد و اشتغال، منابع خدمات سلامت، تحصیل کودکان، محله امن... که برنامه های مراقبت و تکامل ابتدای کودکی کمک خواهد کرد تا نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، و نابرابری های جنسیتی که جامعه را دو قطبی می کنند، کاهش یابند و کسانی را که به طور سنتی مطرود و محکوم بوده اند، به آغوش جامعه بازگرداند.

شرایط ناسالم و استرس زایی که در اثر فقر ایجاد می شود، با نابرابری های تکاملی و یادگیری ابتدایی همراه می شود. این نابرابری ها خود به تداوم نابرابری های اقتصادی اجتماعی کمک می نماید. در یک سیکل معیوب، کودکان خانواده هایی که منابع محدودی دارند نسبت به کودکان خانواده های مرفه از لحاظ تکامل ذهنی پیشرفت کندتری داشته و آمادگی آنها برای ورود به مدرسه و زندگی کمتر خواهد بود و این شکاف به آسانی از بین نخواهد رفت. گرچه کودکان نمی توانند رای دهند اما در نظر سیاستمداران، کودکان قوای تازه ای برای اقدامات اجتماعی و سیاستی فراهم می نمایند و در اجتماعاتی که کودکان هستند، توافق جمعی و انسجام بیشتر است. در کل، والدین دغدغه آینده کودکانشان را دارند و مشتاقند تا برای برآورده نمودن نیازهای آنها همکاری نمایند. قابلیت برنامه های تکامل ابتدای کودکی در زمینه بسیج نمودن و به حرکت در آوردن مردم،

می تواند منجر به ایجاد مشارکت غیر متمرکز گردد. سرمایه گذاری در برنامه های تکامل ابتدای کودکی، یک نوع سرمایه گذاری در ایجاد شهروندانی تحصیل کرده تر است. ارتقا ساختار و محتوای آموزش های پیش دبستانی (یادگیری فعال، تعاملات گروهی و ...) منجر به شکل گیری رفتارهایی می شود که برای زندگی اجتماعی فرد متمر ثمر خواهد بود بنیان اکثر برنامه های پیش دبستانی بر اساس یادگیری کودک از طریق انجام دادن، اکتشاف، سوال پرسیدن و حل مشکل است و معلمان پیش دبستانی ها بیشتر نقش

تسهیلگری دارند تا نقش یک فرد دیکته کننده. برنامه های دوران دبستان نیز، باید کودکان را به سمت سوال پرسیدن هدایت کنند.

۶-افزودن اجزا تکامل دوران ابتدای کودکی به برنامه ها، سبب موثر تر واقع شدن سایر برنامه ها می گردد
 انواع برنامه های اجتماعی (برای مثال برنامه هایی در زمینه تداوم حیات با تاکید بر سلامت و تغذیه، یا آموزش های دوران دبستان و یا برنامه های زنان در عرصه توسعه) با اضافه نمودن اجزایی از تکامل ابتدای کودکی موفق تر می گردند. برای مثال اگر برنامه های حمایت از والدین توسط بخش سلامت، در کنار سایر خدمات سلامت ارائه گردد، سلامت کودک بهتر تامین می شود.^(۷)

ویژگی ها و نیازهای دوران کودکی و نوجوانی و اهمیت آنها

هر کودک، موجود منحصر به فردی محسوب می شود که دارای خلق و خو، سبک یادگیری و الگوی رشد مخصوص به خود است. هم چنان که کودک در مسیر تکاملی خویش به جلو می رود، به انواع مختلفی از محرکات و تعاملات نیاز دارد تا مهارت هایش پرورش یافته و کامل گردند. در جدول ذیل به برخی از ابعاد تکاملی و نیازهای کودکان از بدو تولد تا هشت سالگی اشاره گردیده است. در این جدول توجه به این نکته ضروری است که مهارت هایی که در ذیل " آنچه که کودکان انجام میدهند " ذکر گردیده اند، به ویژه از لحاظ تظاهرشان در عملکرد کودکان، همگانی نیستند. از طرفی دیگر، در خصوص مهارت ها نیز لازم است تا با ملاحظات فرهنگی انطباق داده شده و فرصتهای در دسترس کودکان برای پرورش مهارتها، دانش و توانایی مرتبط با آن سن نیز در آنها لحاظ گردند.^(۷)

نیازهای تکاملی کودکان

آنچه که کودکان انجام می دهند	آنچه که کودکان نیاز دارند
تولد تا سه ماهگی	
آموختن درباره دنیا از طریق تمام حواس	محافظت در برابر خطرات فیزیکی
دنبال کردن افراد و اشیا با چشم ها	تغذیه کافی (تغذیه انحصاری با شیرمادر بهترین است)
پاسخ به چهره ها و رنگ های روشن	مراقبت های سلامت کافی (ایمن سازی، درمان کم آبی خوراکی در صورت نیاز، بهداشت)
شناخت دست ها و پاها	بزرگسالی که کودک با او احساس تعلق و وابستگی را در خود

شکل دهد	
بلند کردن سر و برگرداندن سر به طرف صدا	بزرگسالی که پیام های کودک را بفهمد و به آنها جواب دهد
گریه کردن ، اما با بغل کردن و دلجویی کردن ساکت می شود	چیزهایی که کودک بتواند آنها را نگاه کند، لمس کند، بشنود، بپوید و بچشد
آغاز خندیدن	فرصت هایی که در آغوش گرفته شود، برایش آواز خوانده شود و تکان داده شود
آغاز ایجاد حس خود بودن	
چهار تا شش ماهگی	
اغلب می خندد	همه موارد بالا، به علاوه:
والدین و خواهر و برادرهای بزرگش را ترجیح می دهد	فرصت های شناخت دنیا
کارهایی که نتایج جالبی دارد را تکرار می کند	محركات کلامی مناسب
مشتاقانه گوش می دهد	فرصت های روزانه برای بازی با اسباب بازی های استاندارد
وقتی با او سخن گفته می شود، گوش فرا می دهد	
می خندد و صداها را تقلید می کند	
دست و پاهایش را می شناسد	
اشیا را به دهانش می گذارد	
با کمک می نشیند، غلت می زند، حرکات جهشی دارد	
بدون استفاده از شست، به اشیا چنگ می زند	
هفت تا دوازده ماهگی	
وقایع ساده را به خاطر می آورد	تمام موارد فوق، به علاوه:

قسمت های مختلف بدن و صداهای افراد فامیل را تشخیص می دهد	دادن مکمل های غذایی جدید
اسم خودش و سایر لغات رایج را درک می کند	فرصت هایی جهت شنیدن داستانهایی که برای آنها خوانده می شود
اولین لغت های معنی دار را بیان می کند	یک محیط امن که بتواند آن محیط را بشناسد
اشیا را تکان می دهد	
اجسام مخفی را پیدا می کند، اجسام را در ظروف جا می دهد	
به تنهایی می نشیند	
چهار دست و پا راه می رود، خودش را راست نگه می دارد، راه می رود	
ممکن است از غریبه ها خجالت بکشد و یا غریبی کند	
یک تا دو سالگی	
کارهای بزرگترها را تقلید می کند	علاوه بر موارد فوق:
حرف می زند و لغات و ایده ها را درک می کند	نیاز به حمایت برای کسب مهارت های جدید حرکتی، کلامی و عقلی
از داستانها لذت می برد و دوست دارد اجسام را بیازماید	فرصت هایی برای ایجاد استقلال
با سعی و کوشش راه می رود، از پله ها بالا می رود	نیاز به کمک برای یادگیری چگونگی کنترل رفتار هایش
ابراز استقلال می کند، اما افراد خانواده را ترجیح می دهد	فرصت هایی به منظور آموختن نحوه مراقبت از خود
مالکیت اشیاء را تشخیص می دهد	فرصت هایی برای بازی و اکتشاف
روابط دوستانه ایجاد می کند	نیاز به بازی با کودکان دیگر

مشکلات را حل می کند	نیاز به قصه خواندن / گفتن روزانه
در انجام دادن کارها احساس غرور از خود نشان می دهد	
دوست دارد در امور کمک نماید	
ادعای بازی دارد	
دو تا سه و نیم سالگی	
دوست دارد مهارت های جدید بیاموزد	علاوه بر موارد فوق، فرصت هایی برای:
به سرعت زبان یاد می گیرد	انتخاب کردن
همیشه در حرکت است	درگیر شدن در بازی های مهیج
به دست آوردن کنترل دست ها و انگشتان	خواندن آوازهای مورد علاقه
به سادگی مایوس می شود	کار کردن با پازل های ساده
مستقلانه تر عمل می نماید، اما هنوز وابسته است	
سه و نیم سالگی تا پنج سالگی	
محدوده توجه اش وسعت می یابد	علاوه بر موارد فوق:
گستاخانه عمل می کند	فرصت هایی به منظور تکامل مهارت های حرکتی ظریف
زیاد حرف زدن و زیاد سوال پرسیدن	تشویق به تکلم از طریق خواندن، صحبت کردن و آواز خواندن
خواستن چیزهای واقعا بزرگسالانه	فعالیت هایی که حس برتری مثبت را توسعه خواهند داد
توجه به کارهای هنری	فرصت های یادگیری همکاری، مشارکت و همیاری
آزمودن مهارت های فیزیکی و ترغیب به آزمودن آنها با احتیاط	آزمودن توسط مهارت پیش از خواندن و نوشتن

کممک کردن به ادامه شناخت دنیا به منظور یادگیری از طریق عمل	نشان دادن احساسات در بازی های مهیج
فرصت هایی برای مسئولیت پذیری و انتخاب کردن	دوست دارد با دوستان بازی کند، دوست ندارد بیازد
تشویق کامل شدن خود کنترلی، همکاری و ادامه دادن تا پایان یک کار	قسمت کردن و واژگون کردن اجسام
حمایت از احساس خود ارزشی و غرور کودک بعد از انجام موفقیت آمیز کار	
فرصت هایی برای بازگو نمودن خود (نقاشی کشیدن، رنگ کردن، کار کردن با خمیر و خاک رس)	
تشویق خلاقیت	
حرکات موزون	
گوش دادن به موزیک هایی از انواع مختلف	
پنج تا هشت سالگی	
علاوه بر موارد فوق:	کنجکاو شدن در مورد مردم و اینکه دنیا چگونه کار می کند
حمایت برای کسب مهارت های حرکتی، تکلمی و تعقلی بیشتر	توجه بیشتر نشان دادن به اعداد، حروف، خواندن و نوشتن
فرصت های بیشتر به منظور ایجاد استقلال	خواندن
فرصت های بیشتر برای خند اتکایی در امور مراقبت شخصی	علاقه روز افزون به محصولات نهایی
فرصت هایی برای ایجاد انواع وسیعی از مهارت ها	کسب اطمینان بیشتر در زمینه مهارت های فیزیکی
حمایت برای تکامل تکلمی بیشتر از طریق آواز خواندن، صحبت کردن و خواندن	استفاده از کلمات به منظور بیان احساسات و سازگار شدن

اشتیاق به پرورش فعالیتها	فعالیت هایی که حس برتری مثبت را کاملتر می کند
برون گرا تر شدن و بازی های مشارکتی	فرصت های یادگیری همکاری، یاری و کار تیمی
	حمایت از یادگیری از طریق دستکاری اشیاء
	فرصت هایی برای مسئولیت پذیری و انجام انتخاب
	حمایت از تکامل خود کنترلی و دوام آوردن تا پایان کار
	حمایت از حس خود ارزشی و غرور بعد از انجام یک کار موفقیت آمیز در کودک
	ایجاد انگیزه و ترغیب برای موفقیت های آکادمیک
	فرصت هایی برای سوال کردن و مشاهده کردن
	فرصت هایی برای آهنگ ساختن، انجام کارهای هنری
	توجه به آموزش پایه



مغز کودک نه لوح سفیدی است که باید داستان زندگی بر آن نگاشته شود و نه مداری پیچیده که توسط ژن ها طراحی و کنترل می شود. از زمان نخستین تقسیم سلولی ، تکامل مغزی ، حرکتی موزون در عرصه میان ژن ها و محیط است . در حالی که ژن ها مراحل تکامل طبیعی را در مغز برنامه ریزی می کنند کیفیت این تکامل توسط عوامل محیطی ای تعیین می شود که هم بر مادر باردار و شیرده تاثیر می گذارند و هم بر کودک ، چنین عواملی نظیر تغذیه مناسب ، سلامت کافی ، آب آشامیدنی سالم و محیطی امن و عاری از خشونت ، سوء استفاده ، بهره کشی و تبعیض ، سهمی عمده در چگونگی رشد و تکامل مغز کودک دارند .

بی همتایی مغز آدمی فقط ناشی از پیچیدگی آن نیست ، بلکه ریشه در ویژگی هایی دارد که به آن توان خارق العاده تعامل با تجربیات را ارزانی می دارد. هر تماس ، جنبش یا تحریک عاطفی به رخدادهای الکتریکی و شیمیایی ای بدل

می شود که نیروی محرک ژنتیکی را پیش می بردوبه شیوه ای ظریف ، شکل گیری مغز کودک را اصلاح می کنند . در تکامل اتصال های مغزی ، تعامل بشر با محیط به اندازه غذایی برای خوردن ، صدایی برای شنیدن و نوری برای دیدن تاثیر گذار است .

دوره هایی در زندگی وجود دارند که در آنها مغز با شدت بیشتری پذیرای تجربیات جدید و بهره اندوژی از آنهاست اگر در این دوره های حساس مغز از این تجربیات بهره کافی نبرد ، امکان آموختن انواع گوناگون مطالب کاهش چشم گیری خواهد یافت .

انعطاف پذیری مغز به این معناست که در دوره های خاصی ، تجربیات منفی یا فقدان محرک های خوب و مناسب به احتمال زیاد تاثیرات بسیار جدی تر و پایدارتری به جای می گذارند . وقتی که کودکان در مهم ترین زمان رشد خود از توجه کافی بی بهره می مانند ، یا گرسنگی می کشند ، مورد سوء استفاده قرار می گیرند یا از آنها غفلت می شود ، رشد و تکامل مغزی آنها به مخاطره می افتد . بسیاری از کودکان که در وضعیت اضطراری ، در بی خانمانی یا در شرایط پس از وقوع مناقشات زندگی می کنند ، تحت فشارهای عصبی شدید و نا متعارف قرار می گیرند و شوک های عاطفی زیادی به آنها وارد می شود توانایی هایشان کاهش می یابد و تنها برخی اتصال های مغزی آنان فعال می شوند و بقیه مغز هم چنان خاموش می ماند . در این سنین خاموشی برخی از اتصال های عصبی ، موتور تکامل مغز کودک را از



کار آیی کافی باز می دارد . هر چند که برای اثر گذاری و بهبود شرایط زندگی کودک هرگز دیر نیست ، مداخله زود هنگام تاثیر بسیار مثبت تری بر تکامل مغز کودک و توانایی یادگیری او خواهد داشت . روند تکامل کودکان را می توان با برنامه های مناسب ، به موقع و با کیفیت که تجربیات مثبت برای کودکان و حمایت از والدین شان را در پی دارد ، سرعت بخشید . گستره وسیعی از این مداخلات مثبت و موفقیت آمیز را می توان در نظر گرفت که بعضی موارد آن عبارتند از: کمک به پدران و مادران جوان به درک دقیق تر معنای حرکات نوزاد ، توصیه به خواندن قصه برای کودکان نوپا یا سر زدن به منزل والدین جوان و راهنمایی آنها و...

علاوه بر این ، مراقبت و پرورش محبت آمیز در دوران نخست کودکی بر چگونگی رشد کودکان تا رسیدن به بزرگسالی و بر نحوه پرورش استعداد فراگیری و توان تنظیم عواطف شان تاثیر حیاتی و ماندگار دارد . کودکانی که در دوران شیرخوارگی و طفولیت از مراقبت های اولیه بی بهره بوده اند . اغلب نسبت به دیگران سوء ظن دارند و در اعتماد به خود و دیگران همواره دچار مشکل خواهند بود . کودکانی که در سال های نخست برای تنظیم و نظارت بر رفتارشان راهنمایی نشده اند به احتمال زیادتری در دوران مدرسه دچار اضطراب ، ترس ، و ناهنجاری های رفتاری و اجتماعی خواهند شد .

موقعیت ها و زمینه هایی که کودکان را به نحو شایسته ای در معرض مشاهده و یادگیری رفتارها و یا تکالیف مذهبی قرار می دهند و آنان را در راستای گرایشهای فطری و ارضای نیازهای روانی خود تقویت می کنند ، می تواند احساس رضایت قلبی آنان را به ارمغان آورده و در جهت درک بسیاری از مسایل مذهب و دین ، راهنمایی و هدایت نمایند . برای رسیدن به چنین موقعیت متعالی نیاز به زمینه سازی و آمادگی روان و عواطف کودکان داریم تا در مراحل اولیه ی زندگی خود ، چهره ی شادمان و با نشاط والدین را پس از ارائه رفتار مطلوب تجربه نمایند و در مراحل بعدی حیات که بعد عقلانی تکامل توسعه خواهد یافت رفتارهای تقلید شده ی خود را موافق دریافت های فطری خویش ببینند و به تثبیت رفتارهای مناسب و

مطلوب خود اقدام نمایند و رشد و بالندگی آنان حاصل آید.

عوامل تاثیرگذار بر تکامل دوران ابتدای کودکی:

این عوامل عبارتند از:

- فردی؛
- خانوادگی؛
- اطرافیان و همسایگان؛ ارتباطات اجتماعی؛
- خدمات و برنامه های تکامل ابتدای کودکی؛
- محیط ملی و منطقه ای
- سطح جهانی؛
- وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیدگاه های جنسیتی

کودک

سال های اولیه عمر مهمترین زمان تکامل در طول عمر فرد محسوب می شود. در این سالها رشد و تکامل عصبی کودک چشمگیر است. اساس تکامل مغز نیز در این دوران است. پس تغذیه و محیط مواجهه مناسب موثر است و می تواند در صورت عدم تامین، تاثیر منفی بر رفاه اقتصادی اجتماعی و فیزیکی کودک داشته باشد. تغذیه مادر در دوران بارداری و تغذیه انحصاری با شیر مادر همگی بسیار مهم می باشند.

تعامل بین ژنتیک و فیزیولوژی و تجارب و نیز مواجهات محیطی در تکامل کودک نقش زیر بنایی دارند. اگر این اصول ضروری برآورده نشود بر تکامل فیزیکی، روانی و یادگیری در مدرسه نیز اثر گذار خواهد بود، هم چنین کودک مستعد ابتلا به عفونت شده و سیستم ایمنی وی قدرت کمتری خواهد داشت و در نهایت فرد مستعد ابتلا به بیماری های مزمن نیز خواهد بود.

قدرت تصمیم گیری مادر در خانه و نیز سطح سواد وی بر تغذیه کودک بسیار اثر گذار است. کوتاهی قد ناشی از سوء تغذیه مزمن ناشی از ترکیبی از عوامل محیطی، اقتصادی و اجتماعی است که از دوران بارداری آغاز و در طول زندگی ادامه می یابد.

تغذیه کافی و مراقبت سلامت، امنیت غذایی با ریز مغذی کافی، آب سالم، دسترسی به آموزش برای همه و حفاظت از آنها در مقابل بیماریها با واکسیناسیون از نکاتی است که در این دوران باید بدانها توجه شود.

محیط گرم و نزدیک خانوادگی، تنبیه نشدن، فرصتهایی در خانواده برای کشف دنیا، یاد گرفتن اینکه چطور صحبت کند و به صحبت دیگران گوش فرا دهد، در این دوران اهمیت دارد.

نقش مرکزی بازی در تکامل کودکان که خود سبب تشکیل ارتباطات عصبی (سیناپس) بیشتری در مغز می گردد را باید در نظر داشت. بازی نقش اجتماعی کننده دارد. نوع بازی از کودکی به کودک دیگر، تحت تاثیر فرهنگ، مراقبت کنندگان و والدین قرار دارد. برای مثال مادران و کودکانی که با اسباب بازی های دست ساز بازی می کنند و تمرکزی که بر یادگیری و اکتشاف در این بازی ها وجود دارد، تاثیر مستقیمی بر پیامدهای تکاملی ادراکی-حرکتی کودکان خواهد داشت. ولی موضوع بازی در سیاست دولتها در حاشیه قرار گرفته است. بنابراین باید کاری کرد که از راهی بتوان والدین و مراقبین را در زمینه نقش مهم بازی متقاعد نمود و آن را ارتقا و ترویج داد.

🏠 خانواده:

خانواده در زمینه تکامل دوران کودکی تاثیر اولیه دارد. بیشترین محرک محیطی برای کودکان و کنترل کننده سایر ارتباطات کودک، خانواده است. مهمترین مشخصه پنهان خانواده، منابع اقتصادی و اجتماعی آن است. منابع اجتماعی مانند مهارت والدین، شیوه های فرهنگی، وضعیت سلامت اعضا خانواده و منابع اقتصادی شامل ثروت و وضعیت اشتغال است که همگی در این قسمت مهم است. خانواده ها باید در خصوص این موارد تحت آموزش قرار گیرند. عوامل با تاثیر منفی در این حیطه عبارتند از فقر، وزن کم موقع تولد، سو تغذیه و عفونت، تعارضات و خشونت داخلی و مسائل روحی روانی والدین مثل افسردگی مادر. وضعیت اقتصادی اجتماعی بر وزن کم بدو تولد، احتمال خطر پوسیدگی دندان، امتیاز پایین تست های شناختی، مشکلاتی در زمینه رفتاری و اجتماعی شدن و افزایش احتمال جدا شدن از مدرسه اثر گذار است. نقش پدران نباید دست کم گرفته شود، لذا درگیر نمودن پدران و آموزش آنها باید به عنوان یکی از استراتژی ها مورد توجه قرار گیرد. حمایت دولت از خانواده ها از اهمیت شایانی برخوردار است.

🏠 شهروندی و ارتباطات اجتماعی:

شاخص هایی از قبیل متوسط سطح درآمد، درصد شهروندان با مدرک دیپلم، درصد شاغلان و بیکاران، مهم هستند و هرچه این شاخص ها بهتر باشند، موفقیت کودکان در مدرسه بیشتر خواهد بود. ارتباط معکوسی بین وضع اقتصادی اجتماعی جامعه و گستردگی مواجهه با عوامل آسیب زا از جمله آلودگی هوا، فضولات، آب ناسالم، سر و صدای بیش از حد و کیفیت بد محل سکونت وجود دارد. فضای فیزیکی در دسترس کودکان فرصتهایی را ایجاد می کند تا کودکان با بازی فراگیری شان

افزون گردد و قدرت کشف آنها پرورش یابد که برای تکامل شناختی، حرکتی و روحی روانی آنها مناسب است. ایجاد موسسات و تسهیلاتی برای یادگیری و خلاقیت بیشتر کودکان، مهدکودک، تسهیلات طبی، دسترسی به حمل و نقل، فرصتهای شغلی. انسجام اجتماعی، قوانین و هنجارهای جنسیتی جامعه از موضوعات قابل توجه در این دوران است.

برنامه ها و خدمات تکامل ابتدای کودکی:

این برنامه ها و خدمات باید کلیه جنبه های تکامل کودکان را در نظر بگیرد. دولت باید این برنامه ها را در سیاستهای حفاظتی اش داخل نماید. افزایش دسترسی کودکان به خدمات مراقبتی و آموزشی با کیفیت در دوران کودکی، با اولویت بر کودکان آسیب پذیرتر بایستی به عنوان هدف کل جامعه باشد.

این برنامه ها و خدمات شامل موارد ذیل هستند:

تغذیه با شیر مادر- مراقبت از کودک- آموزش های ابتدای کودکی- تغذیه- اشکال مختلف حمایت خانواده، که شامل خدمات مهد کودک ها - پیش دبستانی ها- مراکز تکامل کودک مبتنی بر جامعه و خانه و.....

سایر برنامه های که به طور غیر مستقیم مرتبط اند شامل حمایت از والدین و مراقبین کودکان و برنامه هایی که دولت برای این قشر دارد، می باشد. حمایت از خانواده ها یا بازدید از منزل و مراکز خدمات سلامت، نقطه تماس مهمی بین خانواده ها و کودکان است و لازم است برنامه های تکامل ابتدای کودکی در این مراکز وارد شوند. اما نکته مهم این است که آموزش، توانمندسازی و ایجاد تخصص در کارکنان این مراکز صورت پذیرد.

برای چنین کارهایی باید حساسیت فرهنگی، آگاهی عمومی و احساس مالکیت اجتماعی ایجاد نمود و یک هدف مشترک به وجود آورد. ایجاد مشارکت بین جامعه، خانواده ها و والدین، ارائه دهندگان خدمات، افزایش ظرفیت جامعه از طریق درگیر کردن فعال خانواده ها و سایر ذی نفعان بسیار مهم است. برنامه هایی که بر اساس منابع و شبکه های موجود ساخته می شود اغلب از طریق مشارکت والدین، مراقبین سنتی کودکان و خواهران و برادران بزرگتر شکل می گیرد. این نوع از برنامه ها اغلب شامل آموزش والدین، ایجاد گروه های حمایت والدین، بازدید از منزل و ابتکارات مراقبت از کودک مبتنی بر جامعه می باشد.

خدمات تکامل ابتدایی کودکی ممکن است برخی از ویژگی های خاص کودکان یا خانواده ها از قبیل بچه های متولد شده با وزن کم یا خانواده های کم درآمد را هدف بگیرند و یا اینکه در برخی از مناطق و محله ها ایجاد شوند. که هر کدام از اینها معایب و مزایای مربوط به خود را دارند. در هر صورت دولتها باید تلاش نمایند تا به اهدافی که در زمینه تامین خدمات و برنامه های تکامل ابتدای کودکی تمام کودکان دارند، دست یابند. ایجاد ارتباط بین برنامه ها و خدمات تکامل ابتدای کودکی با برنامه های مراقبت از سلامت سبب بهبود وضعیت بقای کودک خواهد گردید.

سیستم های مراقبت از سلامت موقعیت منحصر بفردی در این زمینه دارند چون با سلامت فرد و جامعه مرتبط اند و می توانند متخصصان آموزش دیده ای را در این زمینه به کار گیرند و نیز تسهیلات و خدمات منحصر بفردی را تامین نمایند و به عنوان اولین

سطح تماس با مادران در سن بارآوری مشورت و راهنمایی های لازم را ارائه نمایند. اغلب مادران کودکان خود را از سنین پایین به این مراکز می آورند، پس چنین مراکزی با والدین و کودکان جامعه تماس موثر و مفیدی برقرار می نمایند .

✚ سطح منطقه ای و ملی:

اختلافات موجود در وضعیت تکاملی کودکان می تواند از شرایط کلان محیطی (در سطح ملی و بین المللی) نشات گیرد. موثر ترین برنامه ها و خدمات دولت ها در سطح منطقه ای رخ می دهد. سیاستهایی که به طور غیر مستقیم در این دوران تاثیر می گذارند اغلب در سطح ملی و منطقه ای تصویب می شوند. حکومت های ملی باید مسئول تعهداتشان نسبت به اهداف توسعه هزاره باشند.

✚ سطح جهانی:

کوشش جهانی زیادی در این زمینه خصوصا برای ایجاد فرصتهای جدید و کم کردن تفاوت ها وجود دارد. قوی تر شدن تعهدات سازمان جهانی بهداشت و جامعه بین الملل یک مکانیسم حمایتی تاثیرگذار است. همچنین یونیسف، یونسکو، بانک جهانی و... برنامه های موثری را در جهت ارتقا تکامل همه جانبه کودکان در دستور کار خود دارند.

✚ وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیدگاه های جنسیتی

با فراهم آوردن " آغازی منصفانه " برای کودکان، این امکان به وجود می آید که بی عدالتی های اجتماعی، اقتصادی و جنسیتی مرتبط تعدیل گردند. در واقع شرایط ناسالم و استرس زایی که در اثر فقر ایجاد می شود، با نابرابری های تکاملی و یادگیری ابتدایی همراه شده و خود به تداوم نابرابری های اقتصادی اجتماعی کمک خواهد نمود .

مراحل رشد و تکامل کودکان و برنامه سازی برای ایشان :

ژان پیازه روانشناس سويسی (۱۹۸۰-۱۸۹۶) بر توانایی کودک در درک جهان به طور فعال تاکید بسیار می کند و عقیده دارد کودکان به طور انفعالی اطلاعات را جذب نمی کنند بلکه آنچه را که در دنیای پیرامون خود می بینند، می شنوند و احساس می کنند و در نهایت انتخاب و تفسیر می نمایند. وی همچنین عقیده دارد که انسانها از چندین مرحله مشخص رشد و تکامل شناختی، یعنی یادگیری "اندیشیدن" در باره خودشان و محیطشان می گذرند. او سالهای تولد انسان تا پانزده سالگی را به چهار مرحله از لحاظ رشد شناختی و به شرح زیر تقسیم بندی می کند.

۱. مرحله "حسی- حرکتی" از تولد تا دو سالگی که این مرحله و اصولا آموزش کودکان در این مرحله به آنچه در خانواده شان میگذرد منحصر می شود و رسانه ها معمولا برنامه ی خاصی برای این بخش طراحی و تدوین نمی کنند

۲. مرحله بعد از مراحل رشد شناختی انسان مرحله "پیش از عملیاتی" است مرحله ای که در آن کودک بر زبان تسلط پیدا می کند و میتواند از کلمات برای نشان دادن اشیا و تصاویر به شیوه ای نمادین استفاده کند. همچنین در این دوره کودک "خودمدار" است و جهان را بر مدار موقعیت خویش تفسیر و دریافت می کند. این دوره از سن دو تا هفت سالگی طول می کشد و کودکان عضو در این مرحله، جامعه هدف اعم برنامه های خردسالان را تشکیل می دهند. و با توجه به اینکه هنوز وارد فضای مدرسه نشده اند به طور طبیعی بیشترین نیاز خود را به آموزش از طریق خانواده، اطرافیان و رسانه ها کسب می کنند.

۳. مرحله سوم از مراحل رشد شناختی انسان مرحله "عملیات عینی" است که از سن هفت تا یازده سالگی طول می کشد و در طی این مرحله کودکان بر مفاهیم انتزاعی منطقی تسلط می یابند می توانند مفاهیمی مانند اینکه دلیل فلان چیز چیست را درک کنند، در این مرحله کودکان از آنجا که وارد محیط مدرسه شده اند تا حدی از میزان مصرف رسانه ای آنها کاسته می شود و برخی موارد را در مدرسه و یا از گروه همسالان خود دریافت می کنند و همین مرحله آغاز راهی است که ممکن است کودکان با اتکا به شناخت خود در برابر پیامهای خسته کننده و یا غیر دلخواهی که از رسانه برایشان پخش می شود مقاومت کنند و دست به گزینش پیامهای رسانه ای بزنند.

۴. چهارمین دوره را "عملیات صوری" می نامند، مرحله ای که سالهای یازده تا پانزده سالگی یک کودک را در بر می گیرد و در آن کودکی که در حال رشد است توانایی درک اندیشه ای فوق العاده انتزاعی و فرضی را پیدا می کند، در این مرحله کودک با گذشتن از مرز خردسالی و پشت سر گذاشتن دوران ابتدایی در آستانه ورود به دوره ای از زندگی خویش است که میتوان به جرات آن را مهمترین دوره شکل گیری شخصیت اجتماعی افراد دانست در این دوره (نوجوانی) باید توجه داشت که به سبب درک و انتزاع قوی تر نسبت به دوره های سنی قبلی میزان انتخاب و گزینش نوجوان در میان برنامه ها و پیامها بیشتر خواهد شد و همچنین میزان تاثیرپذیری از برنامه های مورد قبول نیز بیشتر از میزان تاثیر پذیری سایر سنین است. با نگاهی به این تقسیم بندی میتوان اینگونه نتیجه گرفت که در بیشتر موارد برنامه سازانی که کودکان را جامعه هدف خود قرار داده اند، عموماً تفکیکی بین این مراحل قائل نیستند چرا که نه شکل برنامه ها و نه محتوای برنامه هایی که برای کودکان ساخته می شود هیچکدام از این طبقه بندی تبعیت نمی کنند. این برنامه ها در شکل و فرم اجرا غالباً برنامه هایی هستند که با حضور یک مجری شاد یک طراحی دکور رنگین و میان برنامه های متعدد اجرا میشود؛ در اغلب این برنامه ها مجری که سعی در کودکانه صحبت کردن و شاد نشان دادن خود دارد سعی می کند به ضرورت برنامه های آموزشی در جای جای برنامه پیامهایی را به کودک القا کند، و متأسفانه همین حالت به سنین بالاتر و برنامه هایی که برای گروه های سنی بالاتر نیز ساخته می شود تسری یافته و به عنوان مثال برای برنامه نوجوانان همین فضا با اندکی لحن عارفانه و پیامهای آرمانگرایانه تر آمیخته می شود اما آنچه در این میان بیشتر به چشم می آید این است که اغلب این پیامها نه در راستای اجتماعی شدن کودکان بر حسب زمانه و روزگار خود که بیشتر پیامهای اخلاقی خشک و کسل کننده ای هستند که به تکرار در برنامه های متفاوت از آنها استفاده شده است.

• دنیای کودکان و نسبت ما با آن

باید توجه داشت که در برنامه سازی برای کودکان باید بیشترین دقت نظر را لحاظ کرد چرا که این گروه بی شک فردای جامعه را خواهند ساخت. تربیت نسلی که خوب رشد نیافته و اجتماعی نشده باشد قبل از هر چیزی بواسطه ناهنجاریهای اجتماعی اش برای کشور

مشکل ساز خواهد شد. و این دقت باید در تلویزیون بیشتر از همه رسانه ها باشد چرا که کودکان بیشترین ساعات خود را در مراحل سه گانه رشد خود یعنی از دو تا پانزده سالگی به آن اختصاص می دهند. کودکان از دنیایی می آیند که دنیای انتزاع و تخیل است دنیای که در آن کودکان خود را محور و اساس جهان می دانند و تمام دعوای والدین با کودکان خویش نیز بر سر این است تا قواعد زندگی در جهان واقع را به آنان بیاموزند و به آنها یاد بدهند که زندگی در جهان واقعی مستلزم چه رفتارهایی است. پس باید توجه داشت که در تهیه هر برنامه ای برای کودکان این واقعیت لحاظ گردد که این برنامه ها نباید از دنیای خیالات کودکان به دور باشد و یا کلا در خیالات سیر کند بلکه باید برای کودکان برنامه هایی ساخت که پلی میان آنچه آنها دارند و آنچه ما می خواهیم به آنها بدهیم باشد چرا که تنها این گونه است که کودک در میان داشته ها و باید ها دچار تعارض نمی شود و پر واضح است که در چنین حالتی صحبت از مفاهیم مجرد و اصول اخلاقی که کودک نه در خیالات و نه در عالم واقع همتایی برای آن نمی بیند، بیشتر از آن که مفید باشد، به تعارض کودک دامن زده و رشد او را به تاخیر می اندازد.

- توجه به شناخت و آموزش و پرورش کودکان استثنایی

توجه به شناخت و آموزش و پرورش کودکان استثنایی، (افرادی که به دلایل خاص جسمانی، ذهنی، عاطفی و روانی نمی توانند از برنامه های عادی آموزشی به نحوی مطلوب بهره مند گردند)، از نشانه های پیشرفت، اصالت و غنای فرهنگ و نظام آموزش و پرورش هر جامعه ای است. کوشش در جهت شناسایی، برنامه ریزی و ایجاد تسهیلات آموزشی افزون تر برای کودکان استثنایی از اهداف ویژه نظام های آموزشی مترقی است. مطابق ارقام و آمار بین المللی حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد از کل دانش آموزان سنین مدرسه در هر جامعه ای نیاز به برنامه های آموزشی ویژه دارند. نگاهی کوتاه به آمار کل دانش آموزانی که در حال حاضر زیر پوشش آموزش و پرورش استثنایی قرار دارند بیانگر این حقیقت است که امروزه فقط کمتر از یک درصد از کل این قبیل دانش آموزان واجب التعلیم از برنامه های آموزش استثنایی برخوردار هستند و این موضوع از مسئولیت اولیای امور در تهیه و تنظیم برنامه هایی جامع در جهت شناسایی چنین کودکانی و نیز آموزش و پرورش ایشان خبر می دهد.

- توجه به خانواده

توجه به این مسأله که خانواده به عنوان نخستین نهادی که کودک در آن پرورش می یابد و پدر و مادر به عنوان نخستین مربیانی که در ساخت شخصیت فردای فرزند خود نقشی حساس و اساسی دارند، ضروری است. توجه به خانواده در هر جامعه ای، نشانگر رشد آن جامعه است. تغذیه صحیح مادر باردار و اعمال و حرکات و رفتار وی در بنیان جسمی و روانی، معنوی کودک بی نهایت مؤثر است. اگر بخواهیم که کودکانی باهوش و خلاق در جامعه داشته باشیم باید اصولاً والدینی با سلامت بدنی و فکری کامل داشته باشیم. بدون شک باید سوابق تحصیلی پدر و مادر و چگونگی وضع فکری و هوشی آنان را هم در نظر گرفت و خانواده ها را آموزش داد تا حین بارداری و پس از آن چگونه با کودک خود رفتار نمایند تا کودکی سالم و پرتوان از نظر

جسمی و فکری داشته باشند. روابط صحیح خانوادگی و محیط گرم و صمیمانه خانه در رشد عاطفی کودک مؤثر است. پدران و مادرانی که هر دو فعالیت خارج از منزل دارند و حتی در مواردی جز تعطیلات پایان هفته فرزند خود را نمی بینند تا به او محبت کنند به سختی خواهند توانست در وی ایجاد محبت نموده، طریقه صحیح روابط اجتماعی را به فرزند خود بیاموزند.

سخن گفتن کودک در خانواده هایی که مادر بیشتر با فرزند خود است و مرتب با او حرف می زند به مراتب با تکلم کودکی که پدر و مادر خود را جز چند ساعت در هفته نمی بیند متفاوت است. سالهای اولیه زندگی کودک باید پر از محبت، صحبت و رفتار صحیح باشد. سالهای قبل از مدرسه به عنوان سالهای رشد و نمو جسمی و عاطفی کودکان، سالهای مهمی در توسعه فکری، ازدیاد دانش لازم و آگاهی به مسائل فردی و اجتماعی می باشد. بر پدر و مادر است که کنجکاوی کودکان در این سنین را به نحو مطلوبی اغنا نمایند، در تربیت حواس او بکوشند و تکامل اعضای حسی او را مورد توجه قرار دهند. کودکی که در خانواده منضبطی پرورش می یابد منظم و با انضباط رشد خواهد یافت و این انضباط تا پایان عمر با وی خواهد بود.

به کودکان باید با رعایت سن و طرز تفکرشان آزادیهای داد. در انتخاب لباس، پوشیدن جوراب و یا تمایل به غذایی خاص می توان نظرات آنها را محترم شمرد و در انجام برخی کارهای خانه آنان را شریک نمود. هر چه کودک متفکتر و از هوش بیشتری برخوردار باشد، زود رنج تر خواهد بود و رفتار نامناسب اثرات سوء بیشتری در او خواهد گذاشت. به هر حال این پدر و مادر هستند که می توانند به رفتار کودک شکل داده و او را منضبط و انعطاف پذیر بار آورند تا در دوران کودکی و مدرسه، مریان متخصص، کار آنها را دنبال کنند.

آموزش و پرورش کودکان تیزهوش

کنجکاوی و کندوکاو پیرامون افراد تیزهوش و با استعداد سابقه بسیار طولانی دارد و احتمالاً به زمانی برمی گردد که برای نخستین بار انسان علاقه مند شد بداند چرا افراد با هم متفاوتند. در جوامع مختلف در هر دوره افرادی بوده اند که از خود توانایی ها و برجستگی های خاصی را نمایان ساخته و موجب برانگیختن حس کنجکاوی مردم شده و مورد سوء ظن و نفرت و یا ترغیب و تشویق آنها قرار می گرفته اند.

در یونان قدیم افلاطون عقیده داشت که باید کودکان باهوش را در سنین کودکی یافت و به آنها به طور اختصاصی علوم و فلسفه تعلیم داده شود. همچنین او معتقد بود که بقای دموکراسی یونان بستگی به توانایی آن کشور در آموزش و پرورش افراد با استعداد و برجسته خود جهت رهبری جامعه دارد..

در همان زمان عقیده عموم بر آن بوده که نبوغ و تیزهوشی هدیه ای الهی و دریچه ای است به علم لایتناهی که شخص را قادر می سازد به عمق حقیقت پی برده مرگ و فنا را از زندگی دور کند.

مفهوم نبوغ و استعداد همیشه نسبی بوده و در طول تاریخ در میان اقوام و جوامع مختلف به یک معنی نبوده است. انسان همواره قادر به انجام کارهای فوق العاده و کسب مهارت های بی شماری بوده است. اما این که کدام عمل و مهارت او ناشی از استعداد و نبوغ فوق العاده او می باشد منوط به قضاوت جامعه ای است که در آن زندگی می کند. قضاوت جوامع در طول تاریخ همیشه در تغییر و تکامل بوده و ترغیب و تشویق افراد سرآمد، دستخوش عقاید و تحولات گوناگون بوده است. با ظهور اسلام و تبلیغ و تشویق تحصیل علوم و فنون مختلف، نهضت تازه ای در شرق و سپس بتدریج در غرب صورت گرفت. در این دوران، تاریخ شاهد نوابغ بزرگی در علوم ریاضی، پزشکی، فلسفه و ادبیات، هنر می باشد. پیشرفت و بهبود تسهیلات و امکانات متعدد جهت کودکان تیزهوش نیاز مبرمی به حمایت و پشتیبانی و تشویق مردم داشته و

بالا رفتن دانش و آگاهی همگانی نسبت به شناسایی، تعلیم، تربیت و جایگزینی صحیح کودکان تیزهوش عامل مؤثری در انجام هرچه بیشتر تحقیقات و ایجاد تسهیلات گسترده تر در زمینه های مختلف علمی و فنی برای کودکان سرآمد می باشد. تنها در این صورت می باشد که جوامع قادر خواهند بود از ثروت های واقعی خود یعنی افراد مستعد و هوشمند در خدمت به خلق و ساختن جامعه برتر حداکثر بهره را برده و از استخدام و استثمار نیروی خلاق خود توسط کشورهای بیگانه از هرزرفتن این نعمت سرشار هوشی و خلاقیت ها جلوگیری نمایند.

مسأله شناسایی استعدادهای درخشان و تشخیص تفاوت های فردی از جمله وظایف و مسئولیت های خطیر مربیان و معلمان و اولیای نظام آموزشی هر جامعه در برنامه ریزیهای تعلیم و تربیت برای کودکان و دانش آموزان می باشد.

البته	همواره	باید	توجه	داشت	که:
۱-	تفاوت های فردی در برنامه ریزی آموزشی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.				
۲-	در بین دانش آموزان، استعدادهای توانایی های گوناگونی موجود است که لازم است به آنها توجه فراوان نمود.				
۳-	تنوع استعدادهای را می توان هر چه زودتر در بین کودکان شناخت.				
۴-	ایجاد امکانات و تسهیلات ویژه برای شکوفایی و پرورش استعدادهای ضروریات جامعه آزاد و مطلوب می باشد. در حال باید نیازهای آموزشی کودکان با استعداد را به نحوی متناسب و مطلوب فراهم کنیم زیرا جامعه به وجود این افراد سخت نیازمند است. بویژه جامعه کنونی ما که با انقلاب شکوهمند اسلامی برای استقلال و آزادی واقعی بهای سنگینی پرداخته است، سخت به نیروی انسانی متعهد و متخصص در رشته های مختلف نیازمند است. سرمایه گذاری در این زمینه و کمک به رشد و پرورش استعدادهای کودکان تیزهوش یک ضرورت حیاتی در رشد و خودکفایی همه جانبه جامعه قلمداد می گردد.				

اسلام و تربیت کودک:

استفاده ی مطلوب داشته باشیم .

برای بررسی جایگاه پرورش حس دینی در تربیت دینی کودکان لازم است اصول تربیت دینی کودکان مورد توجه قرار گیرد و سهم پرورش حس دینی در گرایش به دین و مذهب و دین باوری مشخص شود تا بهتر بتوانیم از این ابزار در جهت هدایت فرزندانمان موضوع تربیت فرزند، از دیرباز جزو موضوعات اساسی و بنیادی اسلام بوده است. در دنیای امروز با توسعه و رشد مهارناپذیر تکنولوژی و پیشرفت‌های چشمگیر آن، و نیز در عصر رویکرد دوباره بشر به دین ، تربیت فرزند، هم‌چنان چشم‌گیر می‌نماید. امروزه حتی خانواده‌های غربی نیز به خوبی دریافته‌اند که بازی‌های رایانه‌ای، سایت‌های سرگرمی، چت‌های اینترنتی، تلویزیون، سینما، و ... نیازهای روحی فرزندان را تأمین نمی‌کند و بنیان خانواده را اکسیری جز تربیت صحیح فرزند، استوار نخواهد نمود .

از ویژگی‌های دین اسلام تأکید بر پرورش همه ابعاد زندگی انسان است. هر چند در تربیت اسلامی پرورش ابعاد معنوی هدف اصلی و نهایی است؛ اما دستیابی به آن هدف بزرگ در پرتو داشتن جسمی سالم و روانی با نشاط امکان پذیر است. در سیره تربیتی امام رضا(ع)، علاوه بر تأکید بر سایر ابعاد، به رعایت بهداشت، تغذیه سالم و نیز عوامل غیر مادی مؤثر در سلامتی مانند صدقه و عقیقه توجه خاص شده است.

کارشناسان تربیت کودک اذعان می‌دارند، بهترین دوره برای تربیت فرزند، دوران کودکی است. زیرا در این سنین حس تقلید و نیز حس پذیرش آموزه‌های تربیتی، در سطح بالایی از توانمندی قرار دارد و کودک به خوبی آن چه را که به او آموخته می‌شود، فرا می‌گیرد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام به فرزند خود امام مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: «قلب کودک نوره همانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. از این رو در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آن که دل تو سخت شود و اندیشه‌ات به چیز دیگری مشغول گردد، تا به استقبال کارهایی بشتابی که صاحبان تجربه، زحمت آزمودن آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد تربیت از سنین کودکی فرموده‌اند: "مَنْ رَبَّى صَغِيرًا حَتَّى يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمْ يُحَاسِبِ اللَّهُ"؛ هر کس فرزندش را از کودکی تربیت کند تا او بتواند بگوید لا اله الا الله، خداوند از او حساب نخواهد کشید

در سیره تربیتی امام رضا(ع)، بر تدریجی بودن تربیت، انتخاب همسر صالح و شایسته ، رعایت آداب ازدواج، مراقبتهای ایام بارداری ، نامگذاری مناسب، مراقبت از کودک، کودک و سلامتی ، صحبت با کودک، محبت ، احترام، تشویق وی ، نظارت والدین بر کودک، خود اتکایی و پرورش بعد عقلانی در دوران کودکی تأکید ویژه ای شده است.

اسلام عالیترین توجه را به کودک دارد، آیاتی که نسبت به حقوق کودک در اسلام وجود دارد و نیز روایات موجود همه حکایت بر اهمیت اسلام به کودکان و حقوق ایشان دارد. رسول اکرم(ص) بیان می‌دارد که همانطور که پدران و مادران ، حقوقی بر فرزندان خود دارند و فرزندان در صورت ترک آن حقوق عاق می‌شوند ، فرزندان نیز حقوقی بر پدر و مادر دارند که " پدران و مادران در صورت رعایت نکردن آن عاق فرزندان می‌گردند." والدین مسئول تأمین تمام نیازهای کودک اعم از مادی و معنوی می‌باشند .

نیازمندیهای جسمانی کودک از قبیل نمو جسمانی کودک با فراهم ساختن وسایل مادی امکان پذیر است . این رشد و نمو با تغذیه ، بهداشت کافی ، آب و هوا ، مسکن ، خواب ، بازی و امثال آن ، به دست می‌آید. تعلیم ورزش به کودک از نکات دیگری است که در آموزه های دینی توجه زیادی بدان معطوف گردیده و بیان شده که حرکت و جنبش ، اساس هر عمل غریزی و پایه وظایف حیاتی است که زندگی شاداب و سلامت در گرو آن است . امام صادق (ع) می‌فرماید : " باید - خصوصاً - هفت سال اول زندگی کودک

آزادانه به بازی و جنبشهای بدنی صرف شود. "حضرت رسول اکرم (ص) می فرماید: "اگر کسی دارای طفل خردسالی بود باید با او در جنبشهای کودکانه و حالت بچه گانه همکاری و هماهنگی نماید."

حضرت رسول اکرم (ص) در تبیین جایگاه فرزندان امتش در جهان آفرینش می فرماید "هر آینه نوزاد امتم نزد من محبوب تر از آنچه خورشید بر آنان می تابد می باشد"

هم چنین بیان گردیده که در وجود انسان، بذره‌های سعادت و خوشبختی نهفته است که با پرورش صحیح، هر یک از آنها شجره طیبه خواهد بود که در تعالی و کمال انسان نقش بسزایی دارد که یکی از آن بذره‌های سعادت داشتن فرزند صالح است که پیامبر فرمودند: "سعادت انسان در داشتن دوستان صالح و فرزند نیکوکار است."

رفتار فرزند بجز آداب اکتسابی او از جامعه، بیانگر فرهنگ و اخلاق، ایمان و ارزش های حاکم نهادینه شده بر وجود والدین و خانواده است. پدر و مادر بذر کمالات وجودی خویش را در وجود فرزندشان پرورش می دهند. به بیان دیگر فرزندان، آن گونه که می خواهیم پرورش نمی یابند، بلکه آن گونه که هستیم، خواهند بود و از این رو است که پیامبر اعظم (ص) فرمودند خداوند متعال فرزند را با فطرت سالم سعادت مند به انسان عطا می فرماید، رسول گرامی اسلام همچنین بر کوشا بودن پدر و مادردر تربیت فرزندان دستور داده و فرمودند: فرزندان را گرامی بدارید و آنان را به آداب نیکو بیارائید. یکی از مصادیق مهم اکرام فرزندان و تشویق و ترغیب آنها به نماز و ارتباط با آفریدگار یکتا می باشد. توجه به اصول زیر برای پرورش معنوی کودکان ضرورت دارد:

الف: اصل آگاهی و معرفت

برای فراهم آوردن زمینه های مساعد و غنی و تسهیل رشد مفاهیم و عقاید دینی نیازمند شرایطی ویژه هستیم، از آنجا که کودکان دارای تفکر عینی و حسّی هستند لزوم دقت نظر در این اصل ضروری به نظر می رسد زیرا: (۱) برای آموزش مفاهیم باید فهم کودکان را به خدمت گرفت، به کارگیری تفکر عینی کودکان برای فهم مسائل معنوی تقریباً ناممکن خواهد بود، زیرا کودک دنیای پیرامون خود را از طریق دریچه حسّی خود نظاره خواهد نمود. (۲) ارائه هر مبحث و مسئله ای از مذهب باید با توجه به میزان توانائی و درک مطلب و فهم کودک صورت گیرد، بدیهی است موقعیت سنی کودکان محدودیت های زیادی در جهت ارائه مفاهیم بجای خواهد گذاشت. (۳) ارائه رهنمودهای دینی و گفتار بزرگان دین در سنین کودکی، در موقعیتی صورت می گیرد که کودک به چرائی آنها آگاه نخواهد شد و انگیزه کمتری برای جذب و عمل به گفته ها خواهد داشت.

آنچه در این بین برجسته خواهد بود، مستعد سازی و آماده نمودن زمینه هائی برای آزمون تجربیات و احساسات خواهد بود تا از طریق توجه به نتایج رفتار و میزان موافقت و تقویت دیگران بتواند رفتاری را درونی نماید. اگر بخواهیم رهنمودهای دینی و گفتار بزرگان در زندگی کودکان دارای اثرباشد، باید به برجسته سازی شخصیت های مذهبی و دینی اقدام نمائیم تا از طریق دوستی و موانست با معصومین و نیز شخصیت های مذهبی و دینی، کودکان بتوانند به رفتارهای تقلیدی مطلوب دست یابند.

بدیهی است اصل آگاهی و معرفت در تربیت دینی کودکان به برجسته سازی احساس و عواطف آنان تکیه خواهد داشت.

ب:

اصل شعور و احساس

در این اصل سعی بر آن است کودکان را به مشاهده و توجه بیشتر به احساسات و تجربیات دیگران و برانگیختن عواطف و شور مذهبی و ادا نمائم ، این تحریک و برانگیختگی می تواند متاثر از موقعیت های زیر باشد.

.. آشنا کردن کودکان با مراسم ، دستجات ، جماعات و عبادت های جمعی

.. دیدن هیجانانگیز ، شادیهها ، اشکها و ناله ها (جشن ها و عزاداری های مذهبی)

.. افزایش شوق کنجکاوی و فراهم آوری فرصت برای کشف طبیعت و فطرت کودک به دست خودش

تکیه این اصل بر تقویت شعور و احساس آدمی است. این اصل در موقعیت سنی کودکان به مراتب اثرگذارتر و مفیدتر خواهد بود.

ج:

اصل رفتار و عمل

در این اصل سعی بر آن است دستورات اخلاقی و پسندیده توسط کودک ، در عملکرد والدین و مراقبین وی مشاهده شود. به صورتی که کودک از طریق مشاهده عملکرد اعضای خانواده و مراقبین متوجه حقیقت شده و با عادات مذهبی از این طریق در فطرت او نهادینه شده و با میل و علاقه به طاعات و عبادات خداوندی پردازد.

در این اصل نیز جایگاه احساس به جهت قبول الگو و ایجاد عادت های اولیه و شروع به عمل مورد توجه است دقت و تفکر منطقی در این اصول جایگاه بارز احساس به عنوان زیر بنای رفتاری کودکان را نمودار خواهد ساخت و روشی را برای مریان فراهم خواهد نمود که به احساسات کودکان و پرورش حس دینی آنان توجه خاصی را مبذول نمایند و از مسیر پرورش این حس در سعادت و سلامت آتی کودکان نقش مهمی را ایفا کنند. به خدمت گرفتن احساس کودکان در جهت نمودار سازی لطف و احسان خداوندی است که منشأ اصلی هدایت می باشد. اگر بتوانیم جایگاه این مهم را در ضمیر و باطن فرد مؤثر و برجسته نماییم به درجات بالایی از هدایت دست یافته ایم.

برای مثال اکرام و احترام بر فرزندان می تواند تأمین کننده ی عزت و کرامت آدمی باشد، آن گاه که این حس پرورش یابد فرد معنی تفضل خداوند که او را به مرتبه اشرف مخلوقات ارتقاء داده است را می فهمد و تأثیر آن رضایت فرد از زندگی خویش است چون کرامت را می فهمد از درگیر شدن با خواهش های نفسانی ذلت آور پرهیز می نماید و عظمت وجود او مانع بروز خطا و گناه در محیط اجتماعی خواهد شد.

در سلام کردن بر کودکان نیز می خواهیم علیرغم بازگشائی راهی به ارتباط انسانی ، نمودی از ادب را جلوه گر سازیم ، این حس که معادل برجسته سازی شخصیت و اهمیت دادن به اشخاص است راه را بر حسد نسبت به دیگران می بندد و همواره بزرگی خداوند را بیاد می آورد که چنین احترامی متأثر از دیانت و دین و هدایت جاودان پیامبران الهی است پس احترام و سپاس نسبت به خداوند لازمه ی عبودیت انسان است.

در رفتار عادلانه نسبت به کودکان می خواهیم با لمس خوبی عدالت او را از فشار ناروای ظلم مصون ساخته ، جایگاه اصلی خداوند و رفتار عادلانه او را مجسم سازیم و در به کارگیری احساس شادی و سرزندگی ، ایجاد طراوت و بهجت نشان دهنده دید مثبت به زندگی ، امید و آرزوهای مثبت خواهیم شد تا آنها نیز بتوانند رفتار و اعمالی را داشته باشند که رضایت خداوند را بوجود

آورد.

در ارتقاء حس وفای به عهد نشان دهنده ی تعهد خداوند در برنامه هدایتی دین هستیم وعده هایی که اگر امید به تحقق آن نداشته باشیم در ابتدای راه مانده ایم و محرک لازمی برای حرکت وجود نخواهد داشت. پس لازم است محققانه و با ریز اندیشی عالمانه جایگاه اصلی پرورش حس دینی را بشناسیم و در برخورد با کودکان حداکثر استفاده سودمند و مناسب از این ابزار را بعمل آورده و احساسات درونی کودکان را بخدمت بگیریم تا بتوانیم از این مسیر زمینه های هدایت را فراهم آورده و زمینه های انحراف و نا راستی را بخشکانیم تا کودکان ما متخلق به اخلاق الهی شده سعادت و نیکبختی دنیا و آخرت خود را بدست آورند ،انشاء ا ...

رفتارهای مؤثر در پرورش حس دینی در حیات عاطفی انسانها ، برخوردها و رفتارهای سازنده و حرکت آفرینی وجود دارند که می توانند تأثیر بسزایی در روند هدایتی انسان داشته ، نیروی لازم برای ادامه حرکت را فراهم آورند. برخی متخصصین علوم دینی معتقدند که اصل تربیت و پرورش هنگامی صورت میگیرد که راه هدایت و تکامل معرفی و شناخته شود و سپس نیروی موجود در ضمیر آدمی (فطرت) به سوی مبدأ خود (هستی شناسی) جهت داده شود آن گاه سازندگی، بالندگی و تکامل انسان که متأثر از شناخت اصیل اوست آغاز می شود. با توجه به چنین مقوله ای است که گفته می شود :

“ معرفت دینی، حس دینی، رغبت و عاطفه دینی نه در آموزش دروس دینی و نه صرفاً در علوم حصولی و اکتسابی و نه با چشم سر که با چشم دل ، نه با گوش سر که با گوش جان ، نه به صورت ظاهر که با سیرت باطن ، نه با زبان دهان که با زبان قلب بدست می آید ”

بر این اساس باید به تعامل در رفتارهای مؤثری پرداخت که می تواند حس کودکان را در اختیار گیرد، نیروهای بالنده او را در جهت هدایت نفس تجهیز نماید و پس از ارائه شناخت نسبی زمینه ساز نشاط و بهجت آنان باشد. بر جستگی حس دینی در این کلام به این جهت است که موقعیت اصلی هدایت ها دوران کودکی نسلها است ، در این زمان کودک به جهت این که واجد تفکر انتزاعی نیست نمیتواند به درجات بالائی از شناخت نائل آید. پس باید از طریق تقویت احساس ، جامعه پیرامون او را نمایان نمود و درک جهان و هستی را از دریچه حس مادی او به خدمت گرفت تا فهم چگونگی عبودیت آفریدگار هستی جایگاه اصلی ضمیر کودکان شود و محور هدایت آنان رضای پروردگار، که برابر است با انجام اعمال و رفتار مطلوبی که توصیه ائمه اطهار و برگرفته از کلام حق تعالی است . تا اینکه تکامل سن ، تعقل و استدلالهای منطقی ، تأسی به حسنات و رفتارهای مناسب بر اساس شناخت حقیقت و درک رضایت خداوند را فراهم آورده و پشتوانه ای قوی برای تداوم و تثبیت رفتارها باشد.

از آنجا که احساسات ، ابزارهای اولیه درک و شناخت آدمی است، می توان برای هدایت دینی کودکان و نوجوانان از احساسات درونی آنان کمک گرفت.

درحالی که تکیه بر آن است که قدرت تعقل و تفکر به موازات رشد احساسی کودک گسترش یابد و تحت برآیند دو نیروی مهم حرکت تکاملی کودک آغاز شود ، روش های ذیل راهی است برای به خدمت گرفتن احساس در جهت نمودار سازی لطف و احسان خداوندی که منشاء اصلی هدایت است . شرط مهم در به کارگیری رفتارهای معرفی شده ، حرکت درجهت کسب فضائل و متخلق

شدن به اخلاق انسانی و اسلامی است تا بتواند زمینه ساز تقرب و نزدیک شدن به ذات مقدس احدیت باشد و به هدف غائی تربیت دینی (رشد) جامعه عمل ببوشاند. در این راستا رفتارهای مهم و دستورات اسلامی در باره آنها به اختصار در زیر ذکر می گردند:

الف: احترام و اکرام بر فرزندان

توصیه پیشوایان و رهبران الهی جامعه ما احترام به فرزندان و تکریم شخصیت آنان است و در روایاتی هفت سال اولیه عمر کودکان (سن سیادت) و بزرگی معرفی شده است (5) هدف واقعی احترام و اکرام فرزندان تامین کرامت و عزت نفس آنان است تا به فهم و درک اهمیت وجودی خویش نائل شده و تحت تاثیر عزت و بزرگمنشی خود از درگیر شدن با خواهش های نفسانی ذلت آور پرهیز نمایند. و با درک عظمت وجودی خود مانع بروز خطا و گناه در محیط اجتماعی شوند. انسانهای حقیر به جهت نواقص و کمبودهایی که در جایگاه شخصیتی خود احساس می کند به موقعیت ها و عناصری تکیه می کنند که به صورتی بتوانند، نقیصه های وجودی خویش را برطرف نمایند و در مسیرچنین حرکتی، به اطاعت های ضلالت آور و گمراه کننده دچار خواهند شد و زمینه های فساد و تبه کاری قوت خواهد گرفت. مهمترین تأثیرات روش های عزت آور، مهم نشمردن جایگاه دنیا در ذهن آدمی است، چه بسا که هر نوع وابستگی به غیر خداوند می تواند عاملی در بروز رفتارهای ناپسند باشد. زیر بنا و محور اصلی احترام و اکرام بر فرزندان تجلی معرفت به جایگاه رفیع انسان است که خداوند متعال او را اشرف مخلوقات خود خطاب نموده و هدف آن است که بروز شخصیت توانمند، دانا و آگاه آدمی در سایه چنین کرامتی حاصل شود و پشتوانه ای قوی در پدید آوری سعادت و نیکبختی او باشد. بروز چنین حسنی علاوه بر آن که تأمین کننده نیاز معنوی انسان است به جهت رضایت فردی از پیدایش چنین هدایت و تحوولی، جایگاه مبدأ اصلی را برجسته ساخته و علاقه ممتاز و خالصانه به خداوند کریم و لطیف را ره توشه این حرکت تربیتی خواهد ساخت (6).

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: " به شخصیت فرزندان خود ارج نهید و آداب و آیین های رفتار خویش را نیکو و درست گردانید تا مشمول آموزش خدا شوید. " پیامبر به والدین امر کرده اند که به کودکان احترام بگذارند، چرا که بی توجهی و بی احترامی به آنان باعث بروز مشکلات عاطفی زیادی در کودکان می گردد همچنین در روایتی از رسول اکرم (ص) چنین آمده است: " فرزندان خود را زیاد بوسید، زیرا با هر بوسه، برای شما مقام و مرتبتی در بهشت فراهم می شود که فاصله میان هر مقامی، پانصد سال است. "

ب: سلام کردن بر کودکان

سلام گفتن به هنگام حضور کودکان، اهمیت دادن به جایگاه واقعی کودکان است، سلام گفتن نمودی از ادب و معرفت حقیقی فرد را به جایگاه رفیع انسان به ظهور رسانده. منشأعلاقه و محبت به هموعان می شود، وغالباً این رفتار ساختار شخصیتی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد. سلام تألیف قلوب است و ایجاد حسی مأنوس برای درک یکدیگر. پس باید به کودکان سلام کرد

و آنان را به جمع بزرگسالان پذیرفت تا به محیط ادب و احترام وارد شوند و از رفتار و گفتار بزرگسالان در محیطی گرم و صمیمی متأثر گردند.

ادب و تحوّل ناشی از دوست داشتن دیگران و محترم شمردن هم‌نوعان مانع بروز حسد است و تمایل به برقراری ارتباط اجتماعی باعث تقرّب انسانها است. کودکان با مشاهده احترام و توجه بزرگسالان به خود به فهم بزرگواری خداوند خواهند رسید که چنین ارزش و بهایی را خاص کودکان قرار داده و مایه خوشنودی آنان را فراهم آورده است. پس سپاس و احترام به ذات مقدّس احدی را ضروری رفتار خود خواهد نمود.

در این رفتار نیز خاطره اکرام کننده و هادی انسانها در ذهنت کودکان ما جایگاه ممتازی خواهد یافت و به اسلام و فرامین آن، که زمینه ساز چنین رشد و تحوّل است به چشم تقدّس نگریسته خواهد شد. بدیهی است که اثر چنین نگرش های وزین و ارزشمندی زمینه ساز سپاسگذاری و عبادت خالصانه اشخاص خواهد بود.

ج: مسرور کردن کودکان

وجود شادی و سرور در زندگی کودکان، روحیه تنوع طلب آنان را مصفاً نموده طراوت و بهجت خاصی را که بوجود آورنده توان و قدرت فرد خواهد شد به ودیعه خواهد گذاشت.

لبخند و سرور از احساس امنیت کودکان سرچشمه گرفته، عطوفت و طبیعت گرم آنان را تقویت نموده و خاطره خوش چنین رفتارهایی ماندگار خواهد شد.

اصولاً درک انسانی افراد متأثر از فضای روحی و محیط زندگی آنان است، آن گاه که سرور و شادمانی حاکم بر محیط زندگی انسانها شود، نشان دهنده دید مثبت کودکان به گذران زندگی است و در چنین حالی است که آنها از رفتارهای غریب و نامأنوس دیگران متنفر شده و احساس بیزاری خواهد داشت که این خود مقدمه ای بر پیشگیری از رفتارهای نا مطلوب است. آموزش سپاسگذاری و تحسین کسانی که الفبای محبت را به کودکان می آموزند در چنین صحنه هایی تثبیت و پایدار خواهد شد، چرا که این انبساط و بهجت خاطر خود زمینه ساز موفقیت های بعدی انسان است و خاطره خوش آیندی از این رفتارها بجای خواهد گذاشت.

اگر بپذیریم که خداوند را می توان در دل های شاد و مفرح بندگان یافت مقید خواهیم شد برابر توصیه ائمه بزرگوار به کودکانمان رحمت و محبت روا داریم و ترحم و عطوفت را آمیزه رفتاری خویش سازیم کودکان در تعامل های روزانه خود به این فهم خواهند رسید که برای رضایت والدین باید رفتارهای ویژه ای داشت، زیرا حرکت های مورد نظر والدین رادر بیان و کلام آنان می یابند و یا به صورت خواسته پدر و مادر می شنوند پس به این نتیجه خواهند رسید که برای به دست آوردن رضای خداوند نیز باید به گفتارهای ائمه معصومین و خواسته های بزرگان توجه نمود و آنها را به کار بست. و چنین است که برای مسرت خداوند باید رفتار و عملکردی مناسب و مثبت به ثمر نشاند و همواره به رضایت خداوند امید وار بود تا هدایت های خداوندی محقق شده، رشد و کامیابی را در وجود آدمی احیاء نماید.

د: عدالت نسبت به کودکان

اهمیت عدل و معرفی خداوند به عدالت وقتی جلوه اصلی خود را ظاهر می سازد که به ساخت درونی انسان نظر داشته و به کراهت از تبعیض و اثرات منفی آن در ایجاد انحرافات اجتماعی توجهی ویژه داشته باشیم.

وجود بی عدالتی، ظلم و تبعیض در جامعه، امنیت روانی افراد را به مخاطره انداخته، باعث تنفر و گریزان شدن انسان از موقعیت های اجتماعی خواهد شد.

دوست داشتن عدالت و رنج بردن از تبعیضات باعث آن خواهد شد که همه تلاش آدمی در جهت موازنه و عدل بکار گرفته شود و این مهم لازمه برخورد های انسانی یک مسلمان است، چنانکه ائمه در موارد خاص به تساوی در نگاه و برخوردهای ظاهری تذکرات اکیدی داشته اند

کودکان باید از ابتدا با عدالت آشنا شده و آن را لازمه برخورد و تعامل با دیگران بدانند، لمس خوبی عدالت و مصون شدن از فشارهای ناروای ظلم و تبعیض هم نمودی از برجسته سازی جایگاه خداوند است که به این صفت نیز معرفی شده است. امید به زندگی و امنیت افراد در سایه عدالت خداوندی نمایان خواهد شد. برای تفهیم صحیح عدالت که زمینه ساز تلاش انسانها به نظم دهی درون، برنامه ریزی و رعایت انصاف است نیازمند بستری مناسب و حقیقی هستیم. اجرای عدالت در بین فرزندان نیز توصیه اکید پیامبر مرسل (ص) است

فرزندان، برخورد صمیمی و عادلانه والدین را نمودی از برخورد رحیمانه خداوند تلقی خواهند نمود تا آن زمان که کودک بتواند به درک رحمانیت مطلق خداوند نائل شود چنین برخوردهایی را مشابه و یکسان خواهد دانست.

جایگاه مهم و ارزشمندی که برای عادل حقیقی و رعایت کننده عدالت در ضمیر انسانها به ودیعه گذاشته شده آنگاه که به لطف و احسان خداوندی زینت داده شود، نمونه ای از علاقه مندی به دین، وابستگی به ائمه و رهروی را به ظهور خواهد رساند که امیدی قوی برای اصلاح و نجات جامعه و انسانها خواهد بود در چنین زمینه ای فرد ملتمس در مقام و موقعیتی قرار می گیرد که معنای حقیقی عدالت را درک می کند و خود را در کنف حمایت نیروی بزرگواری قرار می دهد که هیچ کس جز ذات پاک مقام خداوندگار سزاوار چنین جایگاهی نیست.

والدینی که میان فرزندان خود تبعیض قائل می شوند و تفاوت های فردی را در نظر نمی گیرند و در جمع دیگران را مورد تعریف و تمجید قرار داده و به رخ فرزندان خود می کشند. در حقیقت شخصیت فرزند خود را می شکنند و باعث به وجود آمدن حس حسادت در آنها می شوند که این حس حسادت در روح و جان فرزند تأثیرات سوء نهاده و او را از جاده صلاح و سعادت منحرف می کند. براساس آیات قرآنی خداوند انسانها را بر خلقت های گوناگون آفریده و تنها ملاک برتری انسانها نزد خدا تقوا می باشد. والدین نیز باید به این اصل مهم توجه نموده و خلقت متفاوت و استعداد های فرزندان خود را در نظر بگیرند. رسول اکرم (ص) می فرماید: «بر شما باد دوری جستن از حسد. همانا حسادت خوبی ها و نیکی ها را نابود می سازد. آن گونه که آتش هیزمها را از بین می برد.» اگر والدین در مقابل رفتارهای یکسان فرزندان عکس العمل یکسان نداشته باشند، موجبات بی اعتمادی و کاهش علاقه نسبت به خود و بغض و کینه نسبت به خواهر یا برادر را در فرزندان خویش به وجود می آورند. در روایت های اسلامی آمده است که وقتی پیامبر اکرم (ص) با یاران خود می نشست نگاه خود را به طور مساوی میان آنها تقسیم می کرد. یعنی حتی در نگاه کردن نیز مساوات را رعایت می فرمود. در صورتی که می دانیم همه ی یاران او از لحاظ معنوی در یک سطح نبودند و علاقه پیامبر (ص) به همه آنها یکسان و یک اندازه نبود اما وقتی در جمع آنها قرار می گرفت همه را با یک چشم و یکسان می دید تا موجب سرخوردگی، یأس، کینه و حسادت یکی علیه دیگری نشود.» والدین باید در تمامی زمینه ها بخصوص لطف و مهربانی در میان فرزندان خود با عدالت رفتار کنند. رسول خدا (ص) در این زمینه می فرماید: میان فرزندان به عدالت و مساوات رفتار کنید چنانکه دوست دارید میان شما در نیکی و لطف و محبت به مساوات و عدالت رفتار شود.» و همواره تفاوت های فردی میان فرزندان خود را مدنظر داشته باشند. والدین باید تلاش کنند تا

استعدادهای کودکان و نوجوانان را به درستی شناسایی کنند و آنها را در زمینه‌هایی که آمادگی و استعداد بیشتری دارند هدایت کنند تا این استعدادها به مرحله شکوفایی برسد.

ه: **محبت و رحمت با کودکان**

دقت در روش‌های تربیتی رسول مکرم اسلام و قدرت نفوذ معنوی آن شخصیت رشید ما را متوجه محبت و رحمت برجسته پیامبر عظیم‌الشأن خواهد نمود به طوریکه نرمش و ملایمت او در برخورد با امت، مسیر نفوذ بر دلها شناخته شده است. نفوذی که بزرگترین دشمنانش را وادار به مدح رفتار گرانسنگ خود می‌نمود و موج عظیمی از مردم را به سوی پاکی و هدایت می‌کشاند.

از تأکیدات رسول گرامی اسلام است که: شما با امکانات مالی هرگز نمی‌توانید مردم را جذب کنید ولی با گشاده رویی و اخلاق می‌توانید دلهای آنها را بدست آورید.

بیان احادیث بسیار درباره محبت و رحمت به فرزندان و تذکر به بوسیدن آنان بعنوان مهمترین ابزار برای ابراز علاقه به کودکان، نشان دهنده جایگاه برجسته این رفتار است.

کودک از طریق محبت، مهر و رازی را خواهد آموخت و در هنگام بیان احساسات ابراز وجود خواهد نمود تا میزان علاقه دیگران را نسبت به خود ارزیابی نماید، ابزار شناخت وی از میزان علاقه افراد (خاصه پدر و مادر) نسبت به خود میزان مهر و رحمت آنان است و بر این اساس معیار رفتاری خود را بنا خواهند نهاد و سپس در برداشتی جامع از میزان توجه، محبت و رحم و شفقت خداوند رحمن و رحیم به جایگاه رفیع و مقدس پروردگار پی خواهد برد و پس از درک نعمات خداوندی نسبت به خود در موقعیتی قرار می‌گیرد که سپاسگذار آن همه لطف و رحمت باشد.

اگر بیاندیشیم که محبت و رحمت نسبت به کودکان از نیازهای اولیه و اصلی آنهاست و هنگام محرومیت از این مهم توسط والدین، کودکان آماده دریافت مهر و محبت از دیگران خواهند شد مقید به رحم و شفقت بر آنان خواهیم شد. بدیهی است که وقتی کودک خود را می‌بوسیم علاقه خود را به او نمایان ساخته و از جهت امنیت و نشاطی که چتر حمایتی محبت ما برایش فراهم می‌آورد او را اسیر و شیفته خود می‌سازیم و در نهایت، این همه محبت و دوستی، امنیت و بهجتی را در قلب کودکان فراهم می‌آورد که می‌تواند نشانه‌های ممتازی از لطف و رحمت خداوند کریم باشد، خدائی که همه خلق را به محبت و رحمت فرا خوانده و پیامبرش را به چنین لفظ زیبایی (پیامبر رحمت) ملقب نموده است. چنین است که محبت با کودکان راهی است برای آشنائی با محبت خداوند و الطاف بی‌نهایت او و در چنین مسیری است که کودکان با همه وجود، کرامت خداوند را حس نموده، عبد و بنده راستین پروردگار بزرگ می‌شوند.

کودکان ما در طول زندگی باید از بیشترین محبت ممکن برخوردار باشند، چرا که پیامبر خدا (ص) با سیره و کنش خویش و رهنمودهای نورانی به پیروان خود، به آن امر فرموده اند. پیامبر (ص) صبحگاهان دست مبارکش را بر سر فرزندان و اولاد ایشان می‌کشیدند. در روایتی آمده است: روزی نماز جماعت را زود تمام نمودند و حاضران علت آن را پرسیدند ایشان فرمودند مگر صدای گریه کودک را نشنیدید. پیامبر بزرگ اسلام با آن جایگاه رفیعشان در تمام امور با دقت برخورد می‌کردند. در روایتی دیگر فرموده اند: هر بوسه پدر و مادر بر فرزند را خداوند متعال حسنه ای می‌نویسد و هر که فرزندش را شاد کند خداوند در روز قیامت بر او لباس پوشانده که از نور آن، چهره اهل بهشت درخشان می‌شود. در اظهار مهر و محبت به کودکان و فرزندان، مهمترین نکته، وعده‌های

پدر و مادر به فرزندان است و پیامبر گرامی اسلام در این باره می فرماید: کودکان را دوست داشته باشید با ایشان مهربانی کنید و هر گاه به ایشان وعده ای دادید به وعده خود وفا کنید زیرا آنان روزی خود را از شما می دانند.

از دیگر مشکلاتی که گریبان گیر خانواده ها می باشد، همسان نبودن رفتار پدر و مادر با فرزندان و عدم توجه به اقتضای سنی آنان می باشد، از اینرو پیامبر اکرم(ص) فرمودند: هر کس که کودک را با او به کودکانه رفتار کند. محبت داروی شفابخش دردها، تسکین دهنده قلبهاست و بهترین راه حل مشکلات و ناسازگاریهای تربیتی است. محبت به جا، در هر مکان و زمان و در هر مقطع و سن، وسیله ای کارآمد و مؤثر است. همگان، در هر سن و موقعیت، به عاطفه و محبت نیازمندند؛ اما کودکان، نوجوانان و جوانان بیش از دیگران تشنه جام زلال محبتند. رفتار نابجا و ناقصشان را محبت اصلاح می کند و ناسازگاری و پرخاشگری نا بجایشان را داروی محبت از میان می برد. آری، با محبت می توان بسیاری از گره ها را گشود و راههای ناهموار را هموار کرد. امام رضا(ع) از این شیوه مؤثر تربیتی به شکلهای گوناگون بهره می گرفت. گاهی اوج محبت خود را در قالب جمله زیبای «بابی انت و امی» (پدر و مادرم به فدایت) نشان می داد و زمانی او را در آغوش می گرفت، به سینه خود می فشرد و می بوسید. ابا صلت می گوید: هنگامی که جواد(ع) بر بستر شهادت پدر وارد شد، حضرت رضا(ع) از بستر برخاست، به سوی او رفت، دست برگردنش انداخت، او را به سینه فشرد، میان دو چشمش را بوسید و با او سخن گفت... محبت کلید حل بسیاری از مشکلات تربیتی است. گاهی والدین در مقابل اصرار زیاد کودکان بر خواسته های غیر معقول یا غیر ممکن، رفتاری تند و نامناسب ابراز می کنند؛ ولی حتی در چنین موقعیتی رفتار محبت آمیز مناسبتر و مؤثرتر است. امیه بن علی نقل می کند: در سالی که امام رضا(ع) حج به جای آورد و سپس به خراسان رفت، من در مکه همراه امام(ع) بودم و امام جواد(ع) نیز همراهش بود. امام(ع) با خانه کعبه وداع کرد. وقتی طوافش تمام شد، به طرف مقام [ابراهیم] رفت و در آنجا نماز گزارد. جواد(ع) که خردسال بود، بر دوش موفق (غلام حضرت) طواف داده می شد. جواد(ع) به طرف حجر [اسماعیل] رفت، در آنجا نشست و این امر مدتی طول کشید. موفق به او گفت: جانم به فدایت باد، برخیز. او فرمود: بر نمی خیزم تا وقتی که خدا بخواهد و در چهره اش غم نمایان شد. موفق خدمت امام رضا(ع) آمد و گفت: جانم به فدایت باد، جواد(ع) در حجر نشسته، بر نمی خیزد. امام رضا(ع) به طرف جواد(ع) آمد و فرمود: برخیز، ای حبیب من. جواد(ع) فرمود: چگونه برخیزم، در حالی که شما با کعبه چنان وداع می کنید که گویا هرگز به سویش باز نمی گردید! [برای بار سوم] امام رضا(ع) فرمود: برخیز، ای حبیب من. جواد(ع) برخاست. از این حدیث شریف در می یابیم که امام رضا(ع) در مقابل اصرار جواد(ع) هرگز به او تندی نکرد؛ بلکه با جملات محبت آمیزی چون «قم یا حبیبی» و صبر و حوصله فرزند خرد سالش را قانع کرد. با این که در اسلام درباره اظهار علاقه نسبت به کودکان سفارش شده است اما این مهرورزی و علاقه نباید مصالح واقعی را تحت الشعاع قرار بدهد، بلکه می باید با اظهار محبت مهاری شده، با کودکان رفتار کرد. زیرا در برخی از موارد، اظهار محبت بی حساب، باعث فدا شدن مصالح بزرگتری می شود و یا موجب سوء استفاده کردن کودک و در اصطلاح عامیانه «لوس» شدن او می گردد. باید توجه داشت نوازش های بدون حد و حصر و توجیه نشده و خارج از حد اعتدال، اثرات سوئی را بر روان کودک بر جای می گذارد؛ پُر توقعی، زودرنجی، ضعف در برابر مشکلات، ناامیدی، عقده حقارت، سرخوردگی از اجتماع و بسیاری فشارهای روانی دیگر، زاییده ارتباطات مهرآمیز افراطی با کودک است. امام باقر علیه السلام در این راستا می فرماید: "شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبُرُّ إِلَى الْإِفْرَاطِ وَ شَرُّ الْأَبْنَاءِ مَنْ دَعَاهُ التَّقْصِيرُ إِلَى الْعُقُوقِ"؛ بدترین پدران کسی است که [در نیکی از حد اعتدال خارج شود و] به زیاده روی بگراید و بدترین فرزندان فرزندی است که در اثر کوتاهی، به عاق والدین دچار شود.

و:

وفای

به

عهد

وفای عهد نیز از روشهای موثر در پرورش حس دینی کودکان است زیرا کودکان در دوران خردسالی خود به جهت عدم نوان کاری و مهارت لازم در انجام فعالیت های مورد نیاز، اتکای شدیدی به والدین و اطرافیان خود داشته و احساس وابستگی به افراد توانمند پیرامون خود را بارز و آشکار خواهند نمود. در معنائی دیگر کودکان والدین خود را رازق خود می پندارند، زیرا تصور آنان بر مبنای تامین نیازهای وجودشان است و از این جهت نقش پدر و مادر خود را برجسته می نمایند. والدینی که برای تشویق کودکان به رفتارهای مناسب، منهد اعمال و رفتارهایی می شوند، تا بتوانند موتور محرکه فعالیت های مورد انتظار خویش را فراهم نمایند، باید متوجه باشند که پرورش امید و آمال و آرزو در چنین مسیری شکل خواهد گرفت و اثراتی ویژه بر رفتارهای کودکان خواهد داشت، چنانچه این تعهدات عملی نشود، یاس و بدبینی را بوجود خواهد آورد. حال اگر به دلالتی حالت اتکاء و اعتماد کودکان صدمه بیند و وابستگی آنان به مخاطره افتد لطمه روحی بزرگی نصیب آنان خواهد شد و خود را در بستر مشکلات و موانع زندگی تنها خواهند یافت و نهایتاً اعتماد و توکل خود را که مایه حرکت های رفتاری آنان است از دست خواهند داد و دچار بحران خواهد شد که همه اینها تعادل وجودی آنان را به مخاطره انداخته و بشدت از کارآئی فرد می کاهد.

بینش تربیتی اسلام در جهت توجه به تحقق آمال و آرزوی انسانها و بازکردن دریچه ای به اعتماد و توکل مورد تاکید است تا مسیری را فراهم نماید که کودکان با پشتوانه ای حمایت کننده بر مشکلات و موانع محیط فائق آیند و به مراتب نهائی رشد برسند، چنانچه کودکی در اعتماد به والدین و اطرافیان شکست خورده عدم وفای (بی وفائی به تعهدات) دیگران را مشاهده نماید، درک ناقصی از تعهد و مسئولیت پذیری خواهد داشت و همه این موارد می تواند ضرباتی بر زمینه های تعهد و گفتارهای خداوند (که در آیات و روایات آمده است) نسبت به بندگان وارد سازد. چنانچه بخواهیم کودکانمان در تعهدات خود نسبت به خداوند که با پذیرش دین بوجود می آید. تقویت شده و عامل به معاهده های خود باشند باید خود به عهد های گفته شده عمل نمائیم و درجه بالائی از وفا را بر آنان ارزانی نمائیم تا از این مسیر بتوانند گامهای مستحکم تری در مبانی دین داشته، به صلاح و نیکبختی رهنمون شوند. روش های ارائه شده فوق تمامی ابزار نمودار سازی لطف و احسان خداوند نخواهد بود، روشهای متفاوت دیگری نیز برای تقویت حس دینی وجود خواهند داشت، پس بر مریبان و والدین گرامی لازم است تمامی رفتارهای خود را با هدف تقرب و نزدیکی به خداوند بکار گرفته و شناسائی لطف و احسان خداوندی را زمینه ساز رشد و معرفت خود، خانواده و فرزندان خویش قرار دهند، باشد که به جهت این فیض از نعمت های سرشار کردگار بزرگ بهرمنند شده، سعادت و رستگاری را نصیب فرزندان خود سازند.

زانتخاب نام زیبا: نخستین احسان و نیکی پدر به کودک انتخاب نام زیبا و خوشایند برای اوست و این از حقوق لازم کودکان می باشد. اسامی اعضاء خانواده نشانگر ارزشهای حاکم بر آن خانواده است، حتی فراتر از خانواده، به روحیه ملت ها از نام های آنها می توان پی برد. چه بسیار فرزندانانی که به خاطر اشتباه پدر و مادر خود در انتخاب اسم و تربیت آداب نادرست، در جامعه به افت شخصیت دچار شده اند نام انسان در تربیت و سرنوشت زندگی تأثیر بسزایی دارد. حضرت رسول (ص) به امیر المومنین (ع) می فرماید: علی جان! حق پدر بر فرزند این است که نام خوب برای او گذارده و نیکو ادبش کند و در جایگاه و موقعیت اجتماعی شایسته قرار دهد.

ح) تعلیم دادن: برای کودک ، یادگیری هر چیز برای نخستین بار و تجربه چیزی که در گذشته سابقه نداشته است در حکم آفریدن و خلق چیزی نو است . در مراحل یادگیری ، باید کودک را آزاد گذاشت که خود از معانی کوچک و ناچیز استفاده کرده و به کلیات پی ببرد . به هر حال نباید در تعلیم افراط کرد . از امام صادق (ع) نقل شده است که فرزند خود را تا هفت سال رها کن تا بازی کند . امیرالمؤمنین (ع) خطاب به فرزند خویش فرمودند: پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آن که دلت سخت شود و خردت در تصرف هوایی دیگر در آید. در ادامه همین نامه فرمودند: و چون به کار تو همچون پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختنت همت گماشتم چنان دیدم که این عنایت در هنگام جوانی ات به کار رود و در بهار زندگانی که نیتی پاک و نهادی نیالوده داری، و این که نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تأویل آن را به تو تعلیم دهم، و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم. در این بخش از نامه امام علی به فرزندشان بر انتقال عقیده صحیح و ادب آموزی و نیز بر پاکی ضمیر انسان در دوره کودکی و جوانی تأکید شده است؛ یعنی همان دورانی که بیشترین تأثیر را از خانواده می پذیرد. انتقال عقیده حق و ایجاد رفتار سعادت آفرین، عنوان کلی وظایف تربیتی پدر و مادر است. در تربیت فرزند نیز همچون سایر قلمروهای زندگی، باید اصول ثابت را از امور متغیر جدا ساخت و به این حقیقت توجه کرد که برخی از آداب و ظواهر زندگی تغییر می کند و روابط اخلاقی و نیازمندی های زندگی اجتماعی دگرگون می شود. تربیت فرزند را باید با آگاهی از تفاوت های خود و فرزندان از حیث فضای فرهنگی و مناسبات اجتماعی صورت داد. باید فرزند را آماده ساخت تا اصول ثابت و نامتغیر اخلاق را متناسب با ظرف زمانی و مکانی زندگی خود رعایت کند. این آمادگی او را برای مقابله با تلقینات مسموم توانا می سازد و امنیت اخلاقی او را در دوران جوانی و بعد از آن تضمین می نماید. به امیرالمؤمنین (ع) نسبت داده شده است که فرمودند: فرزندان خود را به اخلاقی متناسب با روزگارشان مؤدب سازید: فرزندان خود را به اخلاق خودتان تربیت نکنید زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند.

ط) نیاز به دوستی و رفاقت: در پایان سال سوم یا چهارم زندگی ، همکاری میان کودکان افزایش می یابد . کودکان هر چه بیشتر با کودکان دیگر تماس داشته باشند و با آنان بازی کنند ، زودتر راه همکاری را فرا می گیرند . رفاقت در روح همکاری میان کودکان در دوره نونهالی تأثیر زیادی می گذارد . بنابراین هرچه رفاقت مستحکم تر باشد ، همکاری و مشارکت بیشتر می شود . به لحاظ تأثیر زیاد دوست و همنشین ، در اسلام مصاحبت و رفاقت با افراد ناشایست نهی شده و به ایجاد روابط دوستی با افراد صاحب کمال و معرفت سفارش شده است . تأثیر مثبت یا منفی دوستی ، بخصوص اگر به مدت طولانی باشد تا آنجاست که می تواند کیش و مسلک را تغییر دهد . از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است : "انسان به دین و مسلک دوست و همراهان خویش است ."

و) صحبت با کودک: قدرت درک کودک اندک است و توان فهم معانی کلمات را ندارد. در عین حال سخن گفتن با او نشانه توجه والدین به اوست. کودک این توجه را نوعی اظهار محبت و ابراز عاطفه می داند و با تمام ضعف و نقصان، گاه با لبخند و زمانی با حرکات دست و پا به آن پاسخ می دهد. هنگامی که امام جواد(ع) به دنیا آمد، حضرت رضاع(ع) به اصحابش فرمود: فرزندی به دنیا آمد که شبیه موسی بن عمران شکافنده دریاست و مانند عیسی بن مریم مادرش پاک و مطهر است. راوی در ادامه می گوید: و کان طول لیلته یناغیه فی مهده؛ حضرت در تمام طول شب با او صحبت می کرد.

ی) پرورش بعد عقلانی: تربیت باید همه جانبه باشد. پرورش بعد عقلانی و شکوفا ساختن استعداد منطق و استدلال در فرزند یکی از مهمترین ابعاد تربیت است. منطقی بار آوردن فرزند سبب می شود درست بیندیشد، منطقی تصمیم بگیرد، منطقی رفتار کند و در

صورت لزوم، بی‌هیچ هراسی از دیدگاهها و رفتارهای خود دفاع کند. سیره تربیتی حضرت رضا(ع) از این منظر نیز الگویی کامل برای همه رهروان آن حضرت است. بنان بن نافع نقل می‌کند که روزی مامون از جایی که حضرت جواد(ع) با کودکان بازی می‌کرد، می‌گذشت. کودکان از ترس میدان بازی را ترک کردند و تنها جواد(ع) آنجا ایستاد. مامون از او پرسید: چرا همراه بچه‌ها فرار نکردی؟ فرمود: گناهی مرتکب نشدم تا از ترس بگریزم و جاده هم تنگ نیست تا آن را برایت باز کنم، از هر جا می‌خواهی عبور کن. مامون [از این پاسخ تعجب کرد و] پرسید: تو کیستی؟ حضرت در جواب فرمود: من محمد بن علی بن علی بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام هستم. در زندگی خانوادگی از مهمترین مسائل که پدر و مادر می‌بایست به آن توجه کامل داشته باشند مسئله تربیت و آموزش علم و دانش به فرزندان است. پدر و مادر می‌بایست به فرزندان صالح و نیکوکار خویش شخصیت داده و احترام گذارند، از مصادیق اعانت و یاری فرزندی بر نیکوکاری این است که پدر و مادر از دوران کودکی، بلکه قبل از تولد فرزند، با مهیا نمودن محیط سالم، زمینه را برای رشد و تکامل وی آماده نمایند. چرا که کوچکترین رفتار و گفتارشان در نوزاد موثر است و امروزه ثابت شده است که تمام سخنان و رفتار انسانها، فراتر از نوزاد، حتی در تمام اجسام پیرامون وی تاثیرگذار است.

ک) تربیت قبل از آموزش: مهمترین هدف دین مقدس اسلام، تربیت و تهذیب افراد جامعه انسانی است تا اجتماع بشری از ناپاکی‌ها و آلودگیهای روحی و روانی پاک شود. همان طور که روشن است بدون تربیت و تهذیب، علوم و دانش و حکمت آموختن به انسان ضمن اینکه ثمره ای برای ایجاد مدینه فاضله ندارد مخرب نیز هست. در این راستا امام خمینی(ره) می‌فرماید: آن چیزی که دنیا را تهدید می‌کند سلاح‌ها و سرنیزه‌ها و موشکها و امثال این نیست آن چیزی که دارد این سیاره را در سراسیمی انحطاط قرار می‌دهد، انحراف اخلاقی است، اگر انحراف اخلاقی نباشد، هیچ یک از این سلاحهای جنگی به حال بشر ضرر ندارد. آن چیزی که دارد این انسانها را و این کشورها را رو به هلاکت رو به انحطاط می‌کشاند این انحطاط‌هایی است که در سران کشورها در دست به کارهای این حکومت‌ها، از انحطاط اخلاقی دارد تحقیقی پیدا می‌کند همه بشر را دارد سوق می‌دهد به سراسیمه انحطاط. پیامبر گرامی اسلام پس از اینکه برنامه تزکیه تهذیب و تربیت انسان‌ها را در دستور کار خویش قرار داد با نبود امکانات آموزشی و تربیتی امروزه انسانهای نمونه ای را در آن مدت کم همچون حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) به عالم بشریت تحویل داد که امام علی(ع) در این باره فرمودند: به تحقیق شما مقام و منزل مرا نزد رسول خدا(ص) می‌دانید که مرا در کودکیم در دامنش بزرگ نمود و مرا به سینه مبارکشان می‌چسبانند و رایحه خوش خود را به مشام من می‌رسانند لقمه را به دهان من می‌گذاشتند و از من دروغ در گفتار و اشتباه در رفتار ندیدند. من همواره چون فرزند در کنار مادر با پیامبر بودم، حضرت هر روز بیرق و پرچمی از مکارم اخلاقی را در وجودم می‌نشانند و مرا فرمان می‌دادند که پیرویش کنم.

ل) اجتماعی بودن فرزند: در مکتب تعالی بخش اسلام رهبانیت و گوشه‌گیری و بدور بودن از اجتماع انسانها مورد نکوهش قرار گرفته و از آن نهی شده است، چرا که پیامبر خدا فرمودند: انسان موجودی اجتماعی است و دین مقدس اسلام به حضور انسانها در اجتماعات ترغیب و تاکید نموده است. یکی از مهمترین وظایف پدر و مادر و مسئولان فرهنگی و آموزشی، نهادینه نمودن آداب و تربیت اجتماعی اسلام در عامل با هموعان است که نقطه آغازین این ارتباط، بنابر آموزه‌های دینی، باید سخن از صلح و صفا و صمیمت باشد که در سلام دادن به هم، نمود یافته است و در بیان چگونگی نهادینه ساختن آن ارزش در جامعه بشری، پیامبر(ص) فرمودند: که تازه ام سلام دادن بر کودکان را ترک نخواهم نمود تا به صورت سنت نهادینه شده در جامعه در آید. اگر به این موضوع از زاویه دیگر بنگریم، خواهیم دید که حضرت رسول(ص) با عمل خویش به جهانیان آموزش داد که انسانها! ای جوامع بشری! اگر می

خواهید جامعه ای را مشحون از صلح و صفا و سلام و صمیمیت داشته باشید، از خود شروع کنید خویش را به آداب زیبا زینت داده و به آنچه می گوئید عمل کنید تا فرزندانان خوب تربیت شوند .

م) مشورت با فرزندان: یکی از هدف‌هایی که در تربیت فرزندان مورد نظر است، پرورش روحی، خود باوری و ایجاد اعتماد به نفس است. اگر فردی اعتماد به نفس خود را از دست بدهد در حقیقت فکر و روحش فلج شده است و متکی و وابسته به دیگران می‌شود. انسانی به پیشرفت‌های علمی، معنوی و اجتماعی دست می‌یابد که توانایی‌های خود را باور داشته باشد. اگر آدمی باور کند که نفسش در گرو عملی است که انجام می‌دهد و هر ثواب و عقابی که در نامه ی عملش ثبت می‌شود بستگی به عملش دارد و اگر به یقین باور کند که خداوند او را در تکلف و سختی قرار نداده است و در عین حال استعدادهای زیادی به او بخشیده است، برای رسیدن به اهداف عالی و کمال انسانی با استفاده از اصل مشورت و نیز استعدادهای خدادادی‌اش از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد. مشورت کردن با فرزندان در امور خانواده ضمن شخصیت بخشیدن به آنها، سبب می‌شود تا دریابند که به آنها توجه می‌شود لذا مسائل خود را با والدین مطرح کرده و زمینه ی صمیمیت و همدلی بیشتر را فراهم می‌آورند و از این رهگذر به تدریج با راه و روش فکر کردن و تصمیم‌گیری نیز آشنا می‌شوند. مشورت کردن والدین با فرزندان در مورد مسائل خانوادگی، احساس مسئولیت را در وجود فرزندان ایجاد می‌کند و باعث می‌شود تا آنها به مسائل بیندیشند و با واقعیات زندگی مواجه شوند. مشورت کردن با فرزندان آنان را به تفکر و تدبیر در امور و می‌دارد. همچنان‌که قرآن کریم مردمان را به تفکر و تدبیر دعوت می‌کند و از پیروی کورکورانه و تقلیدی محض پرهیز می‌دهد. شنیدن نظرات آنها و بیان اشتباهات آنها با دلیل و منطق و ملایمت که باعث جریحه‌دار شدن احساسات آنها نشود، قدرت خلاقیت تفکر، تعاون، هماهنگی مسئولیت و... را در فرزندان به وجود می‌آورد. مداخله کردن مستبدانه ی والدین در امور آنها و یا دیکته کردن افکار و عقاید خود به آنان، بدون توجه به تمایلات و مقتضیات فرزندانشان، موجب سرکشی و طغیان آنان می‌شود. البته این نکته را هم باید همواره در نظر داشت که نباید بیش از حد و ظرفیت و توانایی شخصی از آنها چیزی خواست زیرا ممکن است قادر به انجام آن کار نباشند و به این ترتیب از خود باوری او کاسته خواهد شد. چنانکه رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «والدین باید به آنچه مقدر و میسر فرزندانشان است راضی شوند و بیشتر از آن طلب نکنند.»

با توجه به مطالب ذکر شده فوق به نظر می‌رسد که دو اصل تربیتی زیر را باید همواره در کودک و آموزش به وی در نظر داشته باشیم :

۱. آموزش های دینی و تقویت مبانی اعتقادی کودک: بدون تردید، یادگیری از مهم‌ترین فرایندهای روانی است که زمینه‌های آن از سنین کودکی شکل می‌گیرد و به تدریج با بالا رفتن سن کودک، استعدادهای او نیز بیشتر شکوفا می‌شود. کودک به دلیل وجود حس قوی تقلید، تلاش می‌کند تا رفتاری همسان با والدین خود بازسازی کند. وجود این حس، به او کمک فراوانی در یادگیری می‌نماید. والدین نیز می‌باید از این حس قوی به سود فرزند خود بهره‌برداری کنند و با آموزش‌های ابتدایی، کم‌کم زمینه‌های آشنایی با تعالیم دینی و مبانی اعتقادی، به ویژه نماز، را در او به وجود آورند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هنگامی که کودک به سه سالگی رسید لا اله الا الله را به او بیاموزید و او را رها کنید (همین مقدار کافی است). وقتی هفت ماه دیگر گذشت محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) را به او آموزش دهید و سپس او را رها کنید تا چهار ساله شود. آن‌گاه صلوات فرستادن را به او بیاموزید. در پنج سالگی به او سمت راست و چپ را آموزش دهید و قبله را نشان او داده و بگویید سجده کند. آن‌گاه او را تا شش سالگی واگذارید. فقط پیش روی او نماز بخوانید و رکوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش هم تمام شود. وقتی هفت سالگی را پشت سر گذاشت، وضو

ساختن را به او تعلیم دهید و به او بگویید نماز بخواند، تا هنگامی که نه ساله شد وضو و نماز را به نیکی آموخته باشد. و هنگامی که آن دو را به خوبی یاد گرفت خدا پدر و مادر او را به خاطر این آموزش خواهد آمرزید.

۲. ارتقاء سطح دانش و معرفت کودک: گذشته از ضرورت تعلیم کودک و آشنا نمودن او با اصول اعتقادی، آموزش های دیگری نیز - ولو در حد آشنایی برای کودک در حال رشد ضروری است. امام صادق علیه السلام به جمیل بن دراج فرمودند: "بَادِرُوا أَحَدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ"؛ فرزندانان را با کلام [ما] آشنا کنید پیش از آن که مرجه (و دیگر فرقه های منحرف عقیدتی) بر شما سبقت بگیرند [و آنان را منحرف سازند]. (۲۵) و نیز: "عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبَ عَلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ بِرَأْيِهَا"؛ کودکانان را به دانش ما آموزش دهید که برای آنان سودمند است تا مرجه [و منحرفین] با دیدگاه های خود آنان را مغلوب خود نسازند. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام همواره عنایت ویژه ای به آموزش فرزند و بالا بردن سطح درک و معرفت او نشان می دادند. طبق مطالعه ی جدیدی که تأثیرات دین را بر رشد و ارتقای کودکان بررسی کرده است، مشخص شده کودکانی که والدین مذهبی دارند بهتر از دیگر کودکان رفتار می کنند و خود را با شرایط تطبیق می دهند.

تکامل دوران ابتدای کودکی و عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت

عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت در واقع بازگو کننده موقعیت های متفاوت مردم در هرم اجتماعی قدرت و منابع می باشد. شواهد حاکی از آن است که بیشترین بار بیماری ها و قسمت اعظم نابرابری های سلامت در دنیا از عوامل اجتماعی ناشی می شود. شرایطی که مردم در آن رشد کرده، زندگی و کار می کنند بر وضعیت سلامت اشان تاثیر گذار است و نابرابری در این شرایط منجر به نابرابری های سلامت می گردد. خوشبختانه اکثریت قریب به اتفاق این نابرابری ها قابل اجتناب اند. موفقیت در عرصه بهبود سلامت و کاهش این بی عدالتی ها بستگی به توجه جدی به علت اصلی، یعنی علل اجتماعی زمینه ای آن دارد. کمیسیون عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت سازمان جهانی بهداشت به منظور بهبود وضعیت سلامت جهانی و کاهش بی عدالتی ها یک حرکت جهانی را شکل داده است. این کمیسیون، دولت ها، تشکلات مدنی و سازمان های بین المللی را به مشارکت فرا می خواند. هم چنین شواهد جهانی در زمینه بی عدالتی در سلامت را مرور کرده و سعی می نماید دانش های منطقه ای و بین المللی را به اقدامات عملی در این عرصه تبدیل نماید و در زمینه ایجاد چنین تغییراتی جلب حمایت و همکاری نماید. لذا رویکرد عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت به عنوان راه حلی برای بهبود وضعیت عدالت در سلامت مطرح گردیده است. در ابتدای تشکیل کمیسیون عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت، شبکه های نه گانه ای مشخص گردیدند. این شبکه ها، شبکه های دانش نام گرفتند و منظور از ایجاد آنها این بود که دانش جهانی موجود با تاکید بر شواهدی برای اقدام در هر یک از حیطه های این شبکه را ارزیابی نمایند. تکامل ابتدای کودکی نیز یکی از این شبکه های دانش است و در این شبکه بر ایجاد شرایط و فرصت هایی برای کودکان و مادران آنها در سال های اولیه زندگی، که خود می تواند نقش موثری در شکل گیری زندگی و وضعیت سلامت آتی فرد ایفا نماید، تاکید شده است و اقدام در این زمینه به عنوان یک اقدام بزرگ و اساسی برای دستیابی به عدالت در سلامت، خصوصا عدالتی از آغاز، شناخته شده است.^(۱۰)

در واقع، تعیین کننده های اجتماعی نقش مهمی در زمینه تکامل دوران جنینی، بارداری و نیز ابتدای کودکی دارند. این دوران، از لحاظ تکامل بیولوژیک و مغزی دوران حساسی است. اینکه آیا تجربیات این دوران منجر به تکامل مطلوب گردد یا خیر، به کیفیت محرکات محیطی، میزان حمایت ها و شرایط محیط اجتماعی که کودکان در آن رشد کرده، زندگی می کنند و یاد می گیرند بستگی دارد. مولفه های اقتصادی اجتماعی سلامت در طول زندگی از گرادیان های اقتصادی اجتماعی تکامل ابتدای کودکی نشات

می گیرند. بنابراین عوامل اجتماعی یک تعیین کننده اساسی و زیر بنایی برای تکامل ابتدای کودکی است و متقابلاً، تکامل ابتدای کودکی نیز به عنوان یک تعیین کننده وضعیت سلامت، رفاه و مهارت های یادگیری در طول زندگی محسوب می شود.^(۹)

اصول و حیطه های مداخلاتی

تکامل دوران ابتدای کودکی دارای اصولی است که به منظور تامین تکامل مناسب کودکان، رعایت آنها ضروری می نماید. این اصول عبارتند از:

- تکامل موضوعی همه جانبه است؛
- تکامل از دوران پره ناتال شروع می شود؛
- سال های اولیه زندگی کودک زیر بنایی برای تکامل مراحل بعدی زندگی می باشد؛
- نیازهای کودکان در طی سال های اولیه کودکی متفاوت است؛
- تکامل، تعیین کننده های متعددی دارد و طیفی است از وضعیت تغذیه ای کودک، وضع بیومدیکال وی، عوامل وراثتی و زمینه های فرهنگی و اجتماعی؛
- تکامل کودک ماهیت تجمعی دارد؛ با عبارت دیگر
- همه کودکان بدون افتراق از لحاظ جنسیتی، نژادی، زبانی، مذهب ... باید فرصت تکامل تمام قابلیت ها و ظرفیت هایشان را داشته باشند؛
- کودکان محروم نیازمند توجه ویژه ای هستند؛
- ایجاد محیطی که جوامع و خانواده ها را قادر نماید تا مسئولیت هایشان در ارتباط با فرزند پروری و محافظت از فرزندان را با موفقیت به انجام رسانند، ضروری است .
- کودکان نیز در زمینه تکامل و یادگیری خود نقش مشارکتی فعالانه ای دارند؛
- تکامل و یادگیری کودک از تعاملات وی با مردم و محیط پیرامونش نشأت می گیرد؛
- کودکان درون بافتی-مثل جامعه، خانواده، فرهنگ- زندگی می کنند و نیازهای آنها در ارتباط با روابط در درون این بافت ها باید مد نظر قرار گیرد.^(۷)

والدین و خانواده در حیطه های مداخلاتی که در بحث تکامل دوران کودکی که در زمینه برنامه ریزی باید مورد توجه ویژه قرار گیرند شامل:

- تکامل فیزیکی (از طریق تامین سلامت و تغذیه)،
- تکامل ذهنی (از طریق آموزش و توسعه محرک های مناسب برای تامین تکامل ذهنی)
- تکامل هیجانی اجتماعی (توسط ایجاد مهر و عاطفه و علاقه و فرصت هایی برای مشارکت اجتماعی)
- تکامل روحی و معنوی (که به عنوان فرهنگ کودک نیز قابل تعریف است).^(۷)

کلیات برنامه ها و مداخلات تکامل دوران ابتدای کودکی

هدف کلی از تدوین این قبیل برنامه ها و مداخلات تضمین بهبود رشد و تکامل عادلانه کودکان در طی سال های ابتدایی کودکی با تاکید ویژه بر کودکان محروم می باشد.

تنظیم اهداف کلی و اختصاصی در زمینه تکامل ابتدای کودکی نیازمند در کنار هم آوردن سه مجموعه متفاوت از اطلاعات می باشد:

□ ارزیابی وضعیت تکاملی کودکان

□ تحلیل نیازهای بافتی که در درون آن پروژه تدوین و اجرا خواهد شد

□ معیارهای بودجه بندی و الزامات سازمانی

در زمان برنامه ریزی تمام جنبه های تکامل کودک باید مدنظر قرار گیرد و نهایتا این برنامه ها در سیاست های دولت وارد شوند. برنامه ریزی ها باید به گونه ای صورت پذیرد که دسترسی کودکان، خصوصا کودکان محروم به خدمات مراقبتی و آموزشی با کیفیت در دوران کودکی را افزایش دهد و در جایی که منابع محدود است لازم است که آسیب پذیرترها در اولویت قرار گرفته و هدف بعدی کل جامعه باشد.

تامین شغل مناسب برای والدین و حمایت از خانواده های دارای فرزند از نکات مهمی است که باید مورد توجه دولتها در این زمینه قرار گیرد.^(۷)

استراتژی هایی در جهت ارتقاء تکامل کودکان :

استراتژی ۱: ارائه خدمات مستقیم به کودکان

استراتژی ۲: حمایت و آموزش مراقبین و والدین کودکان

استراتژی ۳: ترویج توسعه جامعه بر اساس توجه به کودک

استراتژی ۴: تقویت منابع و قابلیت های ملی

استراتژی ۵: تقویت تقاضا و آگاهی در جامعه

استراتژی ۶: تدوین سیاست های ملی کودک و خانواده

استراتژی ۷: ایجاد چارچوب قوانین و مقررات حمایتی

استراتژی ۸: تقویت همکاری های بین بخشی و بین المللی^(۷)

مدل ها/ رویکردها	اهداف عینی	تمرکز مداخله	استراتژی برنامه
<ul style="list-style-type: none"> سلامت مادر/ کودک Home day care مدرسه (رسمی و غیر رسمی) آموزش از راه دور برنامه جامع تکامل کودکان مدارس مذهبی آموزش کودک به کودک 	<ul style="list-style-type: none"> تضمین بقا ارتقا سلامت/ تغذیه توسعه حمایت های جامع ترویج اجتماعی کردن کودکان توسعه خدمات بازتوانی مراقبت از کودکان تشویق موفقیت های تحصیلی 	کودکان ۰ تا ۸ سال	استراتژی یک: ارائه خدمات مستقیم به کودکان
<ul style="list-style-type: none"> بازدید منزل دوره های آموزش والدین آموزش زندگی خانوادگی شبکه های حمایت از والدین/ مراقبین 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش آگاهی افزایش دانش تغییر نگرش اصلاح/ بهبود عملکردها تقویت مهارت ها 	<ul style="list-style-type: none"> والدین/ اعضا خانواده مراقبین معلمان/ آموزش دهندگان خواهر و برادرها بزرگترها و سایر افراد جامعه 	استراتژی دو: حمایت و آموزش والدین و مراقبین کودکان

مدل ها/ رویکردها	اهداف عینی	تمرکز مداخله	استراتژی برنامه
<ul style="list-style-type: none"> • بازاریابی اجتماعی • بسیج اجتماعی • بسیج فنی • برنامه های سواد آموزی • مواد آموزشی مدرسه • رسانه ها 	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد آگاهی • بسیج برای اقدام • تغییر محیط • احساس مالکیت نسبت به برنامه ها 	<ul style="list-style-type: none"> • اعضا جامعه • رهبران/بزرگان • کارکنان خدمات سلامت • سازمان دهندگان جامعه 	<p>استراتژی سه: ترویج توسعه جامعه بر اساس توجه به کودک</p>
<ul style="list-style-type: none"> • آموزش توسعه سازمانی • آموزش قبل و حین خدمت به مراقبین/معلمان • پروژه های تجربی/مردمی • پروژه های تحقیقاتی با مشارکت ملی • تحقیقات عملیاتی 	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش دانش • تقویت مهارت ها • تغییر رفتارها • تقویت سازماندهی ها و پایدار نمودن آنها • تقویت توانمندی های محلی • افزایش منابع محلی/ملی 	<ul style="list-style-type: none"> • پرسنل برنامه • سرپرستان • کارکنان مدیریتی • متخصصان • دستیاران • محققان 	<p>استراتژی چهار: تقویت منابع و قابلیت های ملی</p>

مدل ها/ رویکردها	اهداف عینی	تمرکز مداخله	استراتژی برنامه
------------------	------------	--------------	-----------------

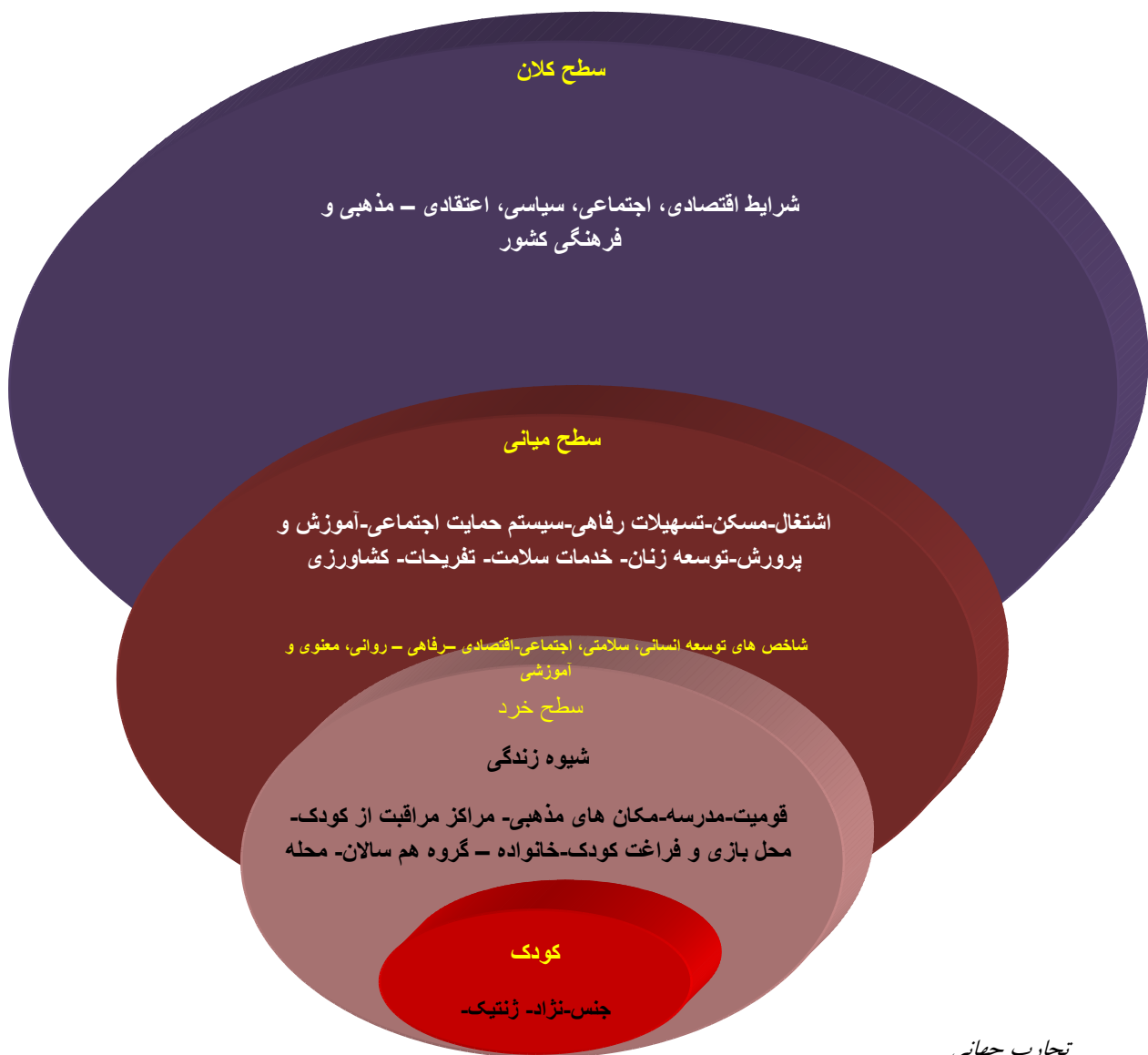
<ul style="list-style-type: none"> • بازار یابی اجتماعی • انتشار دانش به صورت چند رسانه ای • جلب حمایت 	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد آگاهی • ایجاد خواست های سیاسی • افزایش تقاضا • تغییر نگرش ها • ایجاد محیط توانگر کننده 	<ul style="list-style-type: none"> • سیاست گذاران • دولت • متخصصان • رسانه ها 	<p>استراتژی پنج: تقویت تقاضا و آگاهی در جامعه</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ارتباط دادن تلاش های ملی به بین المللی • توسعه سیاست های مشارکتی 	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد آگاهی • ارزیابی سیاست های رایج برای خانواده ها و کودکان کم سن • شناسایی شکاف ها • ایجاد سیاست های حمایتی 	<ul style="list-style-type: none"> • سیاست گذاران • خانواده های دارای کودک کم سن • اجتماع، در طول زمان 	<p>استراتژی شش: تدوین سیاست های ملی کودک و خانواده</p>

مدل ها/ رویکردها	اهداف عینی	تمرکز مداخله	استراتژی برنامه
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد اتحاد (گروه های زنان- گروه های جامعه) • همکاری دولتی/خصوصی • پاداش های مالیاتی برای حمایت از برنامه های 	<ul style="list-style-type: none"> • افزایش آگاهی از حقوق و منابع • ایجاد محیط های کاری حمایتی • تضمین کیفیت خدمات مراقبتی کودک • استقرار استانداردهای محیطی 	<ul style="list-style-type: none"> • سیاستگذاران • قانون گذاران • خانواده های دارای کودکان کم سن • اجتماع، در طول زمان 	<p>استراتژی هفت: ایجاد چارچوب قانون و مقررات حمایتی</p>

ECCD	حفاظتی • مرخصی مادران/پدران		
<ul style="list-style-type: none"> • کنوانسیون های بین المللی • گروه مشورتی بین المللی • پیمان نامه های بین المللی 	<ul style="list-style-type: none"> • تدوین استانداردهای بین المللی • تبادل تجربیات • به حداکثر رساندن منابع • افزایش آگاهی • افزایش منابع • افزایش اثر نهایی و اثر بخشی 	<ul style="list-style-type: none"> • دولت ها • آژانس ها • انجمن ها • NGO های بین المللی 	<p>استراتژی هشت: تقویت همکاری های بین بخشی و بین المللی</p>

مدلی برای تکامل دوران ابتدای کودکی:

شاخص های توسعه انسانی، سلامتی، اجتماعی-اقتصادی - رفاهی - روانی، معنوی و آموزشی



تجارب جهانی

بولیوی 

پروژه ادغام تکامل کودک

هدف: گسترش سطح پوشش و بهبود کیفیت برنامه های تکامل کودک در محله های فقیرنشین شهری

مدت: ۶ سال

گروه هدف: کودکان فقیر ۶ ماه تا ۶ سال

استراتژی:

سیاستگذاری و مدیریت برنامه:

۱. حمایت از مطالعات به جهت تشکیل یک پایه واقعی برای ارزیابی برنامه ها و سیاستهای اجتماعی
۲. فراهم سازی کمک های فنی در حیطه امنیت غذایی و تغذیه و مداخلات ECD و گسترش پوشش آن
۳. آموزش کارکنان پروژه ECD و کارکنان دولت محلی

ارائه خدمات:

۱. آماده سازی مراکز مراقبت روزانه کودک - خانگی و مرکزی - با ۲ تا ۳ مربی برای ۱۵ کودک فقیر (۶ ماهه تا ۶ ساله)
۲. نوسازی اثاثیه، لوازم، مواد و خانه
۳. تامین مالی حقوق، آموزش و نظارت مربیان
۴. فراهم سازی کمک فنی در فنون ECD، مدیریت برنامه و نظارت
۵. خرید خودرو، لوازم و مواد برای مدیریت پروژه
۶. تامین مالی بهداشتی جهت تشخیص و درمان کودکان دچار سوء تغذیه در خانواده های خیلی فقیر

پایش و ارزیابی:

تشکیل و هدایت آمارگیری خانوار جهت اندازه گیری اثرات پروژه هر ۲ سال

فوائد:

- ۱- ایجاد و پشتیبانی از مراکز غیر رسمی، خانگی و متمرکز مراقبتهای روزانه کودک، که کاملاً "تجهیز شده بودند تا یک بسته خدمتی تکامل کودکی با کیفیت بالا را به ۴۵۰۰۰ تن از فقیرترین کودکان کشور ارائه نماید
- ۲- بهبود تکامل فیزیکی، هوشی و اجتماعی بیش از ۱۰۰۰۰۰ کودک ۶ ماهه تا ۶ ساله
- ۳- ۲۱۰۰۰ مراقب کودک آموزش دیده
- ۴- ۴۰۰۰ مرکز تکامل ابتدای کودکی خانگی بازبینی شده

۵- تقویت مهارت‌های والدین از طریق فراهم سازی آموزش و مشاوره برای ۱۰۰۰۰ والدین

کلمیا 

پروژه جامعه ای مراقبت و تغذیه کودک

هدف: توانمندسازی یک برنامه مراقبت خانگی کودک در حال اجرا

مدت: ۷ سال

گروه هدف: یک میلیون از فقیرترین کودکان ۲ تا ۶ سال

استراتژی:

خدمات تکامل ابتدای کودکی و آموزش:

۱- فراهم سازی آموزشها برای مادران جامعه در خصوص مدیریت غذا، تغذیه، ثبت سلامتی، رشد کودک و خانه

داری

۲- فراهم سازی آموزش برای مراقبین کودک جامعه آموزش های مدیریتی برای کارکنان اداره سلامت خانواده

۳- فراهم سازی وام برای مادران جامعه جهت نوسازی خانه به منظور بهبود محیط مراقبت کودک

توسعه ساختاری:

۱- شناسایی تغییرات سازمانی لازم جهت کارکنان برای توانمندسازی اداره سلامت خانواده و تمرکززدایی

۲- ایجاد یک سیستم اطلاعات مدیریتی برای برنامه ریزی، مدیریت برنامه، بودجه بندی و پایش برنامه های

اداره سلامت خانواده

۳- معرفی سیستم پایش و ارزیابی برای برنامه های مراقبت از کودکان در سطح ملی

توسعه سیاسی:

۱- بهبود کارایی تولید مکملهای غذایی

۲- ایجاد ترتیبات جدید برای برنامه های تکامل کودک در اداره سلامت خانواده که به اندازه کافی متوجه قشر

آسیب پذیر جامعه نیستند.

فوائد:

۱- خدمات گسترده تغذیه ای، بهداشتی و تحصیلی در مراکز مراقبت کودک برای یک میلیون از فقیرترین کودکان ۲ تا ۶

سال کشور

۲- تقویت توانایی کودکان محروم در جهت موفقیت در مدرسه و اینکه به یک بزرگسال مولد و موثر تبدیل شوند

۳- مادران با استفاده از مراکز مراقبت کودک امکان کار کردن در بیرون خانه را پیدا کنند

۴- امکان دستیابی به درآمدی معتدل و بهبود منزل برای مادرانی که در برنامه مراقبت کودک شرکت می کنند

۵- تحریک مشارکت جامعه در برنامه های مراقبت پیش دبستانی

۶- افزایش پشتیبانی جامعه برای خودیاری های بهداشتی، تحصیلی و بهبود وضعیت مناطق شلوغ و کثیف پایین شهر

 ترکیه

پروژه دومین آموزش پایه

هدف:

- افزایش میزان پوشش و بهبود کیفیت آموزش پایه برای کودکان فقیر و با نیازهای خاص

- گسترش میزان پوشش برنامه های آموزشی رسمی و غیر رسمی پیش دبستانی

مدت: ۴ سال

گروه هدف: کودکان سن پیش دبستان و دبستان، مادران کودکان خردسال در مناطق کم درآمد

استراتژی:

پوشش:

۱- نوسازی ۱۱۰۰ مدرسه آموزش پایه در مناطق روستایی و مناطق کم درآمد شهری

۲- نوسازی ۴۰ مدرسه آموزش تخصصی و ساخت تسهیلات اضافی در ۲۰ مدرسه موجود

۳- ساخت و تجهیز ۳۰۰ کلاس پیش دبستانی در مدارس آموزش پایه

کیفیت:

۱- تجهیز ۳۰۰۰ مدرسه به کامپیوتر و نرم افزارهای آموزشی

- ۲- تهیه بسته و مواد آموزشی برای ۸۰۰ کلاس پیش دبستانی و ۱۳۴۰ مدرسه ویژه آموزش کودکان با نیازهای خاص
- ۳- پشتیبانی از آموزشهای رسمی و غیررسمی ابتدای کودکی جهت گسترش پوشش آن در استانهای با میزان کم پذیرش مدرسه و میزان مهاجرت بالا
- ۴- تشریک مساعی با سازمان های غیردولتی در استقرار آموزشهای غیر رسمی ابتدای کودکی
- ۵- ساخت و تجهیز مراکز آموزش پیش دبستانی
- ۶- آزمایش کردن مداخلاتی جهت درگیر کردن کودکان با نیازهای خاص برای آموزش معمولی

نحوه ارائه خدمت:

- ۱- فراهم سازی آموزش ضمن خدمت ، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات برای ۳۱۵۰۰ معلم ، ۵۸۰۰ مدیر ، ۳۰۰۰ ناظر آموزش ابتدایی و ۲۲۰۰۰ معلم روستا
- ۲- پیشنهاد آموزش ضمن خدمت برای ۴۵۰۰ معلم پیش دبستانی
- ۳- توجه به کودکان با نیاز های خاص در آموزش ضمن خدمت
- ۴- گسترش شبکه برنامه های آموزش مادران و کودکان به کل ۸۱ استان

پشتیبانی از استقرار پروژه:

- ۱- تقویت ظرفیت وزارتخانه در استقرار پروژه ها

پایش و ارزیابی:

- ۱- گسترش و بهبود سیستم پایش و ارزیابی در اولین پروژه
- ۲- انتشار یافته های پایش و ارزیابی
- ۳- به روز کردن مطالعات ارزیابی اجتماعی، سازمانی و اقتصادی مدارس آموزش پایه

فوائد:

- ۱- تربیت معلمانی با کیفیت و انگیزه بهتر
- ۲- داشتن کلاس های درس با جمعیت کمتر

- ۳- تربیت مادرانی که نیازهای تحصیلی و تغذیه ای و سلامتی کودکان خردسال را بهتر می فهمند و دنبال می کنند
- ۴- داشتن کودکانی با آمادگی بیشتر برای شروع مدرسه به دنبال افزایش پوشش و کیفیت برنامه های تکامل ابتدای کودکی
- ۵- مواد آموزشی بهتر شامل دستیابی به شبکه های اطلاعاتی اینترنت برای خیلی از کودکان و جامعه
- ۶- ارتقا کیفیت آموزش معلمان

🇮🇷 توصیه های بین المللی برای کشورها:

۱. ایجاد متحدان جهانی در این زمینه: همکاری جهانی از جمله با یونیسف، یونسکو و بانک جهانی ... صندوق های مختلف و سازمان جهانی بهداشت. ایجاد ارتباط بین این موضوع با اهداف توسعه هزاره، حمایت از ادغام این موضوع در سیاست های ملی کشورها، حمایت از ادغام مداخلات ساده در این حیطه و نیز در ابتکارات سلامت جامعه و ارزیابی سود و هزینه این برنامه ها از جمله این توصیه ها هستند.

۲. ایجاد تعهدات ضروری در سطوح متعدد جامعه: دولت ها در سطح محلی، منطقه ای و ملی باید سیاست های مرتبگی را در این زمینه داشته باشند. پس باید درک درستی از موضوع به وجود آید. ایجاد بسیج در زمینه بازاریابی این موضوع لازم است، که از آن جمله جلب حمایت بخش برنامه ریزی دولت-بخش اقتصاد و رسانه ها می باشند. شناخت حقوق کودکان، انجام اقدامات پایلوت، افزایش آگاهی خانواده ها، جامعه و ارائه دهندگان خدمات و سیاستگذاران در خصوص حقوق تکامل ابتدای کودکی می تواند مثر ثمر باشد.

۳. ساختارهای لازم برای استقرار: دولت ها باید یک چارچوب سیاستی بین وزارتخانه ای ایجاد کنند که به خوبی نقش و مسئولیت های بخش ها در آن تعیین شده باشد و نیز مشخص شده باشد که چگونه بخش های مختلف می توانند با یکدیگر همکاری نمایند. دولت هم چنین باید این موضوع را در دستورجلسات بخش ها وارد نماید تا اطمینان حاصل شود در تصمیم گیری های بخش ها این موضوع لحاظ شده است. دولت ها باید منابع را مجدداً تخصیص دهند تا مطمئن شوند که بی عدالتی ها در زمینه دسترسی به برنامه ها و خدمات ECD با کیفیت بالا کاهش یافته است. زمانی از این اقدامات منافی برای کودکان ایجاد خواهد شد که دولت سیاست های دوستدار خانواده و کودک را اتخاذ کرده باشد. سیاست هایی که درآمد کافی برای همه را ضمانت می کند، ضامن منافع مادران است، کمک های مالی برای افراد بسیار فقیر دارد و اجازه می دهد که والدین و مراقبان بین زمانی که در محل کار و در خانه می گذرانند تعادل برقرار نمایند. دولت ها باید مشکلات مرتبط با تعادل بین زندگی کاری و زندگی خانوادگی را حل کنند (از این طریق که سیستم هایی به وجود آورند تا ضمانت کننده کیفیت مراقبت های مبتنی بر جامعه خارج از منزل کودک باشد). هم چنین بایستی دولت ها فرصتهایی را برای آموزش و تحقیقات در این زمینه ایجاد نمایند.

درگیر کردن جامعه در این موضوع بسیار مهم است و سبب موفقیت برنامه می شود پس باید دولت‌ها جامعه را در توسعه ، اجرا، پایش و بررسی مجدد این قبیل سیاستها درگیر نمایند.

۴. استراتژی های استقرار: استقرار برنامه هایی برای بقا و سلامت کودک با دسترسی عادلانه اهمیت دارد. در این راستا سیستم های مراقبت از سلامت یکی از مقرون به صرفه ترین سیستم ها هستند. توسعه برنامه های موثر از سطح محلی تا ملی ، ایجاد احساس مسئولیت در این زمینه در سطوح محلی سبب تضمین پایداری این قبیل برنامه ها می شود.

۵. پایش و ارزشیابی: نیاز فوری برای ایجاد شواهد مرتبط و ایجاد سیاست مبتنی بر شواهد وجود دارد. هدف دسترسی همگانی به خدمات ECD است: حمایت والدین و مراقبین کودکان، تغذیه، حمایت اجتماعی، مراقبتهای بهداشتی اولیه آموزشات ابتدایی . دولت و جامعه باید این خدمات و برنامه ها را از نظر کآیی و کیفیت پایش نمایند که این خود شامل ارزیابی موانع در راه رسیدن به اهداف ، فرصت های دسترسی و نیز تمرکز بر کاهش بی عدالتی است که همگی نیاز به همکاری همه جانبه دارد.^(۸)

چه باید کرد ؟

۱. استفاده از اطلاعات در دسترس برای شکل دادن اقدامات و استراتژی ها " از سطوح ابتدایی تا بالایی "

۲. تقویت همکاری های بین بخشی.^(۸)

۳. ادامه تحقیقات برای تامین درك بهتر از تاثیر محیط و بیولوژی بر یکدیگر



مراجع:

1. 1.final report for the WHO CSDH-EARLY CHILD DEVELOPMENT:A POWERFUL EQUILIZER
2. Family and community practices that promote child survival, growth and development-WHO
3. Facts for life-Third edition published in 2002 by UNICEF, WHO, UNESCO, UNFPA, UNDP, UNAIDS, WFP and World Bank
4. بررسی تربیت کودک در روایات اسلامی-سایت
5. امام رضا(ع) و تربیت فرزند-سایت تبیان
6. Early Childhood Counts- A Programming Guide on Early Childhood Care for Development-World Bank 2000
7. Early Child Development: A Powerful Equalizer- Final Report for the World Health Organization's Commission on the Social Determinants of Health 2007
8. Knowledge network for early child development-Analytic and strategic review paper:International perspectives on early child development- prepared by Stefania Maggi-Lori G.Irwin-Arjuman Siddiqi- Iraj Poureslami-...
9. سلامت و عوامل اجتماعی تعیین کننده آن- راهکار اصلی گسترش عدالت در سلامت و ایجاد فرصتی منصفانه برای همه-
دکتر محمد اسماعیل مطلق، دکتر علیرضا اولیایی منش، دکتر مریم بهشتیان بهار ۱۳۸۷
10. دکتر عبدالکریم کریمی از .نوجوانان، دکتر غلامعلی افروز (کتاب روشهای پرورش احساس مذهبی (نماز) در کودکان و گفتارهایی پیرامون اثرات پنهان تربیت آسیب زا کتاب
11. اصول کافی
12. بحارالانوار
13. National Association for Regulatory Administration & National Child Care Information Center, 2006. *The 2005 Child Care Licensing Study* <http://www.nara.affiniscape.com/displaycommon.cfm>
14. Bureau of Labor Statistics, U.S. Department of Labor. *Career Guide to Industries, 2006-07 Edition, Child Day Care Services*. <http://www.bls.gov/oco/cg/cgs032.htm>
15. Briody, J. and McGarry, K. (2005) <http://www.journal.naeyc.org/btj/200509/BriodyBTJ905.pdf> accessed on 15.12.05
16. Brooker, L. (2002) *Starting School: Young children learning cultures*. Buckingham: open University Press.
17. Broström, S. (2000). *Transition to School*. Paper related to poster symposium at the 10th EECERA International Conference: London, September.

18. Broström, S. (2002) Communication and continuity in the transition from kindergarten to school. In H. Fabian and A. W. Dunlop *Transitions in the Early Years: debating continuity and progression for children in early education*. London: RoutledgeFalmer.
19. Burrell, A. and Bubb, S. (2000) 'Teacher Feedback in the reception Class: Associations with Children's Positive Adjustment to School', *Education 3-13* 28(3), 58 – 69.
20. Campbell Clark, S. (2000) Work/family border theory: A new theory of work/family balance, *Human Relations*, 53, 6, 747-770.
21. Corsaro, W. A. and Molinari, L. (2000). Priming Events and Italian Children's Transition from
22. Dockett, S and Perry, B (2001) Starting School: Effective Transitions. *Early Childhood Research and Practice*. Volume 3 Number 2. <http://ecrp.uiuc.edu/v3n2/dockett.html>
23. Dockett, S. and Perry, B. (2005) 'Starting school in Australia is 'a bit safer, a lot easier and more relaxing': issues for families and children from culturally and linguistically diverse backgrounds' in *Early Years*. 25(3) pp. 271-281.
24. Dockett, S. and Perry, B (Eds) (2001) *Beginning School Together: Sharing Strengths*. Canberra, ACT: Australian Early Childhood Association Inc.
25. Dunlop, A. W. (2002) 'Perspectives on Children as learners in the transition to school' in Fabian, H. and Dunlop, A. W. (Eds) *Transitions in the Early Years: debating continuity and progression for children in early education*. London: RoutledgeFalmer
26. Dunlop, A. W. A. (2001). Children's Thinking about Transitions to School. Paper presented at the 11th Annual Conference of the European Educational Research Association, Alkmaar.
27. Dunlop, A-W. and Fabian, H. (2003) (Eds.) *Transitions*. European Early Childhood Education Research Journal, Themed Monograph, 1.
28. Dunlop, A-W. (2002). Conclusions. In Hilary Fabian and Aline-Wendy Dunlop (eds), *Transitions in the Early Years*, 146-154.
29. Dunlop, A-W. (2002b) *Early Years Educational Transitions*. Study for Stirling Council. Glasgow: University of Strathclyde/Stirling Council.
30. Dunlop, A-W. (2005) "Don't give yourself a reputation" Accessing the views of secondary school entrants. Paper presented at the Scottish Educational Research Association Annual Conference. November 2005, Perth, Scotland.
31. Dunlop, A-W. (2005) "I'd like to be a fly on the wall": how does children's transition to school affect parents? Paper presented at the EECERA 15th Annual Conference, Dublin, September 2005.

32. Dunlop, A-W. (2005) Educational Transitions: the key challenges. Paper presented at the BERA Annual Conference, Glamorgan, September 2005.
33. Dunlop, A-W. A. (2002) Early Years Educational Transitions: Working together for children in the early years. Researching Current Transition Practice in Stirling Council, 2001-2002. Report to Stirling Council.
34. Elder, G. H., Jr (2001). Families, Social Change, and Individual Lives. *Marriage and Family Review*, 177- 192.
35. Fabian and Dunlop (2005) 'The Importance of Play in the Transition to School' in J. R. Moyles (Ed) *The Excellence of Play* 2nd edition. Berkshire: Open University Press/McGraw-Hill.
36. Fabian, H. and Dunlop, A. W. A. (eds.) (2002). *Transitions in the Early Years. Debating continuity and progression for children in early education.* London: Routledge Falmer.
37. Fabian, H. and Dunlop, A-W. (2002) *Inter-conneXions. Early Years Matters.* Dundee: Learning and Teaching Scotland
38. Fabian, H. (2002) *Children Starting School.* London: David Fulton Publishers
39. Featherstone, S. (2004), *Smooth Transitions.* *Nursery World*, 27 May 2004.
40. Fortune-Wood, J. (2002). *Transitions without school.* In H. Fabian, H. and A. W. A. Dunlop, (eds.).*Transitions in the Early Years. Debating continuity and progression for children in early education.* London: Routledge Falmer.
41. Galton, M., Morrison, I., and Pell, T. (2000). *Transfer and Transition in English schools: reviewing the evidence.* *International Journal of Educational Research*, 33, pp.341-363.
42. Griebel, W. and Niesel, R. (2000). *The children's voice in the complex transition into kindergarten and school.* Paper presented at the 10th Annual Conference of the European Educational Research Association, London.
43. Griebel, W. and Niesel, R. (2001) Griebel, W. and Niesel, R. (2002). *Co-constructing transition into kindergarten and school.* In H. Fabian, H. and A. W. A. Dunlop, (eds.).*Transitions in the Early Years.*
44. *Debating continuity and progression for children in early education.* London: Routledge Falmer.
45. Johansson, I. (2002). *Parents' Views of transition to school and their influence in this process.* In H. Fabian, H. and A. W. A. Dunlop, (eds.).*Transitions in the Early Years.*

46. Debating continuity and progression for children in early education. London: Routledge Falmer.
47. Kienig, A. (2002), 'The importance of social adjustment for future success.' in H. Fabian and A. W. Dunlop (Eds) *Transitions in the early years: debating continuity and progression for children in early education.* (pp.23 – 37). London: RoutledgeFalmer.
48. Laurent, C. (2000) "The Real Life Class" *Guardian Education* Tuesday 11 April pp. 6-7.
49. Le Roux, W. (2002) A tracer study of San preschool children in Botswana in *Early Childhood Development Practice and Reflections: No. 15 The Challenge of Change.* Bernard Van Leer Foundation.
50. Margetts, K (2002) 'Transition to School – Complexity and Diversity', *European Early Childhood Education Research Journal.* 10(2) 103-114.
51. Margetts, K. (2000). *Establishing Valid Measures of Children's Adjustment to the First Year of Schooling.* Post-Script: www.edfac.unimelb.edu.au/insight/postscript.shtml
52. Neuman, M. J. (2000). *Hand in Hand: Improving the links between Early Childhood Education and Care and schools in OECD countries.* Paper prepared for the Consultative Meeting on International Developments in ECEC. The Institute for Child and Family Policy at Columbia University, May 11-12.
53. Page, J. M. (2000), *Reframing the Early Childhood Curriculum: Educational Imperatives for the Future.* London: RoutledgeFalmer.
54. Perry, B., Dockett, B. and Howard, P. (2000) 'Starting school: issues for children, parents and teachers'. *Journal of Australian Research in Early Childhood Education.* 7(1), pp. 41-53.
55. Porter, L. (2003), *Young Children's Behaviour: Practical Approaches for Caregivers and Teachers.* Second Edition. London: Paul Chapman Publishing.
56. Qualifications and Curriculum Authority (2000) *Curriculum Guidance for the Foundation Stage.* London: QCA.
57. Stephen, C. and Brown, S. (2002). *Cultures of Practice in the Early Years: What are we doing with Thyssen, S. (2000) The child's start in daycare. Early Child Development and Care,* 161, 33-46.
58. Webb, J., Schirato, T. and Danaher, G. (2002) *Understanding Bourdieu.* London: Sage Publications.